

اخبار دول خارج

انگلیس

تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
 روز شنبه بیست و هشتم رجب المرجب بود از جمله اخبار
 که نوشته بودند این بود که درین اوقات سجد علیا حضرت
 پادشاه انگلیس فرزند می دگور بود آمدن و بنا بود است
 که پادشاه بنوورد بعضی از امرای پادشاه که خویش پادشاه
 انگلیس هستند بولایت انگلیس بیایند سجد بیست و هشتم که کاشتن
 عمل دادن پسر مزبور بقاعده که در میان عیسوی محول

دست که گفتگونی در شورخانه وکیل رعایای ولایت
 انگلیس شد است که طایفه جوهر هم مانند سایر رعایای
 انگلیس در شورخانه وکیل داشته باشند و اینر حله بعد از
 بحث و مکالمات زیاد در شورخانه وکیل رعایا قبول شد
 و گذشت دادن از وکلای رعایا داده شد و لکن چون
 قانون از ولایت این است که آنچه در شورخانه وکلای رعایا
 بگذرد بعد از آن باید شورخانه خوانین برود و در آنجا هم جری
 شده بعد از آن بنظر پادشاه رسیده و او هم دستخط
 بگذارد که حکم باشد و بطلب بعد از آنکه مجلس مشورت
 خوانین رسید و آنجا بحث و مکالمات زیاد شد و
 شورخانه قبول کرده برسم زدند

استریه

گفتگونی مابین این دولت و دولت پیدانت که دولت
 نیز نمیکویند درین روزهاست است در خصوص اینکه در بین
 مابین دولت سار دینه و استریه اهل مملکت لامباردی که در
 ایتالیا است و سرحد ممالک سار دینه و جزو ممالک استریه است

امداد بطرف پادشاه سار دینه و جنگ بدولت استریه
 کرده بودند بعد از آنکه دولت استریه بدولت سار دینه
 غالب آمد و مصاحبه کرده عهدنامه بستند یکی از فقرات
 عهدنامه این بود که اهل لامباردی که با پادشاه استریه
 استریه کرده بودند نباید از تیت میزند درین اوقات
 که بسیاری از آنها آمدن و رعیت سار دینه شده اند و
 استریه املاک و اموال بعضی از آنها را ضبط کرده اند
 و چونکه این اشخاص رعایای پادشاه سار دینه شده
 اند دولت استریه درین باب باز خواسته دولت
 استریه میگوید که اشخاص مزبور شرک عمل مفیدین ایتالیا
 شده اند خصوصاً اداد بانها که فریبنی نام بزرگان است
 نموده و پول جمع می کنند و درین باب پادشاه سار دینه
 کاغذی نوشته و بکل دول فرنگستان فرستاده است
 که دول مزبور توسط مابین دولتین استریه و سار دینه
 بکنند و نگذارند که دولت استریه عملی بکند که خلاف قانون
 عهدنامه باشد

در باب گفتگوی مابین دولتین استریه و روسیه کمان
 داشتند که باصلاح بگذرد و در یکی از روزها مامی استریه
 نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور روس بناد است
 بشهر وارشاد و تشریف بیاورد و از آنجا به برلین می
 بروند و بیدن پادشاه پروسیه برود و بعد از آن
 باتفاق پادشاه پروسیه بیدن امپراطور استریه
 و در روزنامه دیگر اینولایت هم نوشته اند که تاریخ
 جمعه بیستم رجب المرجب امپراطور استریه بسلام عام
 بود و بسیاری از چاکران دامنی دولت استریه و

و همچنین دول خارجی بان سلام حاضر شده بودند و هم
 درین روزها عهد نوشته اند که غیر از امپراطور روس و
 پادشاه پروس لیتوانی پادشاه بلژو و پادشاهان
 بواریه و یونان و ناپولی و بزرگ ملک سیکو برنج کبکی
 از محاکم کوچک میباشند نیز بدین امپراطور است
 می آیند

در باب نظم شهرت بیان که بعد از اغتشاش آنجا ساکنان را
 بسختی نگاه داشته بودند بعضی از احکام را نوشته اند که
 داده اند از جمله یکی این بود که جمع شدن مردم در یکجا ممنوع
 شده بود حال اذن داده شده است که در تماشاخانهها
 و سایر جایها که موافق قاعده اولیات باشد اذن دارند
 که جمع شوند فقره دیگر اینکه در واره شهر از اول صبح تا
 ساعت بعد از غروب آفتاب باز میباشند و خلق اذن
 دارند که سواران یا سوار کالک یا پیاده نزدیک
 باستانیهای شهر تردد نکنند مادم که در دروازهها
 باشد حکم دیگر آنکه هر کس که اطاقی در خانه خودش بکشی که
 باید در وقت چهار ساعت باستانی دولت عرض نماید

که اسم آن شخص که خانه باو گرایه داده است چپ حکم
 دیگر اینکه کشیکچیان و قزاقان شهر که در شب گمان دارند
 که کسی بی عمل بد میرود صدای کنند که آن شخص باستند و
 اگر نباشند آن قزاق اول اذن دارد که با اسباب حرب
 او را بزند و نگاه بدارد حکم دیگر آنکه کسی در میان کوچهها
 بلند نکند و اگر صد بلند کردند و بعد از گفتن قزاقان
 نگویدند حبس خواهند کرد حکم دیگر اینکه اگر اغتشاش
 شهر باشد هر کس که شیریند و نو کردیوان نباشد با

سجانه خودش برود و بیرون بیاید و موافق حکم اول
 فانوس از بالا خانه خانه اش که رو بکوچه نگاه می کند
 و اگر در کوچه بماند با معصومین شبیه خواهد بود حکم دیگر آنکه
 اگر صدای توپ از حصار آنجا بشنوند صاحب خانه باید
 در شب خانه خود را ببندد و چراغها از پنجرهای بالا خانهها
 که بکوچه نگاه می کنند بگذارد و فانوس روشن کرده
 ساکنان

عمان

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که بعضی از وزرای
 اعلی حضرت سلطان عوض شده اند و از قرار دستخط
 مبارک سلطانی مصطفی پاشا که بزرگ مشورتخانه است
 بود وزیر اعظم گردیده است سجای محمد علی پاشا و محمد علی
 وزیر جنگ شده است و محمد رشیدی پاشا سردار
 قشون خاصه شده است و داخل مشورتخانه وزیر گردیده
 و رشید پاشا وزیر دول خارجی شده است سجای رفقا
 پاشا و رفاد پاشا میر مجلس مشورت گردیده است

پروسیه

در باب معنیدین این ولایت که در روزنامه سابق
 نوشته شده است دولت خبر دارند و معنیدین را
 گرفته و اسباب حرب که داشتند از دست آنها گرفتند
 درین روزها درین خصوص با این طور نوشته اند که
 یکی از اسباب حرب معنیدین چهاره نارنجک بود که با
 دست می اندازند و در ایام قدیم افواج مخبران و بهادران
 و کستان داشتند می انداختند چونکه این چهارمای
 نارنجک در جنگ کوچه بسیار کار معنیدین می آید در بعضی
 از کارخانهها ازین چهارمای نارنجک خریداری بودند اما از

هر جانی کمی خرید به بودند که خلق بی نبرد که آنها اراده ^{نشان}
 دارند یکی از بزرگ یا غیاث اسم چند نوبت بلند ^{فته}
 بود که بفرار بهائی که بلند رفته اند مصیحت و مشورت ^{نا}
 و در قصبه راستاق که در کنار دریای باشد
 چند صندوق در کمر کخانه نعلک و شمشیر و چناره
 نارنجک بسته بودند و اینها را ضبط کردند و معلوم
 شد که مال مفتدین پروسیات و میخواستند این
 چناره های نارنجک و سایر اسباب حرب در ولایت
 انگلیس نیز بخرند دولت پروسیه بعضی از چاکران ^{ایران}
 حوزر بلند و ستاده بود و نظام مستحفظ شهر ^{لندن}
 با آنها امداد کرده و جویا شدند و فهمیدند که در بعضی ^{خانها}
 بنا داشتند که چناره نارنجک سازند و بفرستند
 از راه دریای قصبه راستاق که به پروسیه ^{برود}
 و چند صندوق که سه هزار ازین چناره نارنجک در
 میانش بوده است چاکران دیوان گرفته و در خود ^{لندن}
 ضبط کرده اند درین باب دولت پروسیه ^{سایر}
 دولت کوکلمنته از دولت انگلیس اظهار رضامندی
 کرده اند که آنچه خواسته اند مانع عمل مفتدین ^{لندن}
 لندن شده اند ازین مرحله خاطر جمعی حاصل کرده اند
 بعد ازین دولت انگلیس درین باب سعی و کوشش ^{خود}
 کرده و نخواهند گذاشت که مفتدین ولایات در لندن
 جمع شده و نشان آشوب و فساد می توانند ^{تولید}

بلیز

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در تاریخ یوم
 دوشنبه بیست و هشتم رجب المرجب پادشاه بلیز از

آبخار روانه شده بود که نسبت پروسیه در برین ^{بایست}
 آن مملکت برود و پادشاه پروسیه در شهر پاریس ^{مقدم}
 در تاسبتان جای بسیار با صفا و خوش آب و هواست

اقامت داشت

والت

روزنامه که ازین ولایت نوشته بودند بتاریخ ^{دوشنبه}
 بیست و هشتم ماه رجب المرجب بود و لیکن اخباری ^{در او}
 نبود که قابل ترجمه و نوشتن در روزنامه ^{باشد}

سویس

درین مملکت ما بین دو مذهب عیسوی که یکی کتولیک و یکی
 پروتستانند عیناً شد چنانچه در روزنامه سابق نوشته
 چند سال پیش ازین جنگ و نزاع شده و دولت آنجا
 بعضی از کشیشهای مذهب کتولیک را از آنجا اخراج کرده
 و یکی از تکالیف دولت استریه درین اوقات بدست
 سویس این بود که کشیش های فرور را اذن بدین ^{که دو}
 ولایت سویس راجعت کرده در آنجا بفرستد ^{سابق}
 این تکلیف را انسانی دولت سویس قبول کردند درین
 روزنامهها نوشته اند که از بعضی ^{لغات} کوکلمنته آنجا
 جمع شده و در بزرگم کشیش با تقصیر فری تو بیخ آمد ^{بودند}
 و در آنجا مدرسه بزرگ و قدیم مشهور است رفته و آن
 مدرسه را تصرف کرده بودند چند قبضه نعلک و سایر ^{اسباب}
 حرب در مدرسه بود از آنجمله که بعضی از اطفال که در آنجا
 درس میخواندند علم جنگ را هم در آنجا یاد می گرفتند
 این اسباب بدست مفتدین افتاده بود و توپ کوکلمنته
 در آنجا داشتند اما مفتدین چنان رود عمل بدین ^{آوردند}

۷۶۷

بودند که اسباب حرب را کلاً از اهل مدرسه گرفته بودند
 کشیکچیان شهر قشون نظام دولت مخبر شدند جمعیت کرده
 و حمله بیاغیان نمودند و لشکر زیاد بیکدیگر آمد خستند و بیاغیان
 از پنجه های مدرسه بقشون دولت لشکر می انداختند و قشون
 دولت از بیرون و خانه های اطراف بعد بیاغیان دیدند که قشون
 دولت پیش می آید بیرون آمد و حمله بقشون آوردند درین جنگ
 بزرگ مدرسه یک چشم تیره بشرواشت بیاغیان میخواستند
 بکشند اما قشون دولت فرصت ندادند و رسیده نکند باشند
 که بیاغیان اورا تلف نمایند و درین بین توپها بجایکی با تخریب
 و بیاغیان بستند و جا مانده که بیاغیان با من خود کرده بودند بصره
 توپ از دستشان گرفتند و کشتیان نیز که همراه بیاغیان و محجر
 آنها بودند دستگیر قشون دولت گردیدند بیاغیان بیدین
 در دست کرده بودند که یکطرفش شکل خاج و طرف دیگرش
 صورت حضرت مریم بود و بعد از آنکه جنگ سخت شد یکی از آن
 کشتیان که همراه بیاغیان بودند بالای دروازه مدرسه آمد
 و ستامی سفید بالا کرد علامت اینکه بیاغیان به امان آمدن بودند
 قشون دولت هم بآنها امان دادند بشرطی که اسباب حرب
 که در دست دارند بر زمین بگذارند و خودشان مجبوس دولت
 باشند بیاغیان نیز لا علاج به منظور نموده آنچه اسباب حرب
 داشتند بر زمین ریختند و خود را بست دادند مجبوس
 گردیدند در خصوص این اغتشاش امنای دولت تخمین میکنند
 و گویا بنا دارند که اموال آن اشخاصی را که مرکب این عمل شده اند
 دیوان بکشند
 دولت استر چه چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است
 در سرحدات بیونس قشون زیاد که داشته است و مانع تر

خلق میوزا آما با وجود اغتشاش در خود دولت بیونس بودند
 قشون استریه در سرحدات ولایت باز در سر مطالب خود نسبت

استریه ایستادگی سخت دارد
احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول نوشته بودند که امیر عبدالقادر که مدتی
 در فرانسه مجبوس بود و حالا اذن توقف در شهر بروکسل
 حاصل نموده در آنجا اقامت دارد درین روزها بنا داشته است
 که سه نفر از پسران خود را قتل نماید و شصت نفر از پسران فقرا
 آن شهر را نیز در راه احسان بنیاد در امیر پسران خود
 خسته نماید و رخت تازه و کفش خارج آنها را امیر فرزند خود
 بیکت و مشارالیه با قشونهای دولت فرانکستان که در برون
 توقف دارند با کمال اتفات و محبت رفتار میکرد است درین
 روزها قشون دولت انگلیس را بانایب قشون دولت سارده

بمانی طلبید بود

دیگر در همین روزنامهها نوشته بودند که جناب حاکم قشون بیونس
 مخصوص وزیر مختار دولت انگلیس مقیم دولت ایران که درین وقت
 بولایت خود مراجعت نمود در روز چهارشنبه نیم ماه شعبان
 از طبرستان وارد اسلامبول گردیده بود

اعلانات

کتابهای چاپی دار انجمن طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید
 در محله نزدیک دروازه دولت انطباع شده است بقرارداد
 مجمع البسیان شش تومان
 شاهنامه چهار تومان و نیم
 خطه نظامی نه هزار
 دبستان یک تومان

روزنامه قایم القیاس پنج شنبه و شنبه ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۶۹

شبهه صد و بیست و پنجم
قیمت روزنامه
یک سوسه شش هر کماله
در تومان و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
مهمیت اعلانات
یک سطر از چهار سطر کلاه
بیشتر با هر سطر پنج هزار

احبار و اخلاص مالک محروم شاهای

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه گذشته نوشته شده در روز پنجشنبه ششمین ماه از سلیق امام لشکار گاه لار حرکت فرموده اند و چون لشکار گاه مر بوز محب است و هوای بسیار سیلاقات آن اطراف است بسیار دارد و بسیار هوای آنجا مطبوع خاطر اقدس ملوکانه افتاد است موافق خبر آخر که از اردو و جالون رسید توقف لشکار گاه مر بوز را تا هشت روز معین فرموده اند

بسیار طول کشیده است امید است که درین روزنامه انشاء الله بجای رفع نشود
هوای دارالخلافه طهران که امسال بسبب کثرت بارندگی بسیار سرد بود درین روزنامه گرم شده است و گن چون این ایام آخر بهار و اوایل تابستان است گرم شدن هوای درین وقت مناسب فصل است
امور است قضونی

حالیجه موسیونیر معلم سواره نظام چون از عهده خدمات محوله بخود خوب برآمده است درین روزنامه مورد رحمت ملوکانه گردیده با عطای یک قطعه نشان نقره از مرتبه اول یلوری سرافراز گردید که نشان آویزه سپهر افتخار و اعتبار خود نماید و حسب الامر مایه درین روزنامه سه ماهه مرضی و معاف گردیده است که بملکت استرته که وطن خودش پیاستد رفته و عیال خود را برداشته بدر مار جالون مراجعت نماید مشول خدمت محو که بخود باشد

ناخوشی و باد درین روزنامه سجد بسیار گرم شده است و در کل شهر شتر از روزی پانزده شانزده نفری در اوایل ماه مبارک رمضان قدری شدت کرده و در قریب بسی نفر تلف شدند و در بعضی از دانات شمیران هم چندی قبل ازین کم و بیشی بروز داشت و لکن در دانات بشهر بسیار کم بوده و حال چند روز است که از دانات شمیران بالمره رفع شده است و چونکه ناخوشی حالادینت که در دارالخلافه طهران اطراف است

افواج متوقف در دارالخلافه طهران در کمال نظم و انضاط

۷۶۹

حکمت می کنند و اگر بندرت ارگسی خلاف قاعده
سبزند عالیجاه آقا رضا خان نایب اجودان باشی مقام
و نایب او بر آن در حبل و اطلاق نظام تنبیه نظامی

اختر ششم

در روز دوشنبه دوازدهم این ماه در مسجد شاه که
سجده نماز جماعت بودند و نفرور خاچی باشی عتبت در
سر جای نماز دعا کردند مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر
دارالخلافه طهران و قواعب سجده اینکه دعا علیه شود آن
عور خاچی را حکم کرد به اطلاق نظام ببرند درین بین
مقرب انخاقان مجرب شده و قرب لسی نفر بر آمد همای
مقرب انخاقان مشارالیه و فرایش غلام دیوانی سخته
و چند نفر از غلام و فرایش دیوان رسم زحمار نموده
آن دو نفرور خاچی را از دست آنها گرفتند و نگذاشته
بودند که با اطلاق نظام ببرند مراتب بعضی نواب مستطاب
شاهزاده والا تبار را در شیر میرزا حکمران دارالخلافه
و توابع رسیدند و فرستادند و نور خاچیان را که حجیت
و افساد کرده بودند گرفته بحضور نواب معزنی الیه آوردند
و حسب حکم فردای آن روز را در جلوا اطلاق نظام در حضور
مقرب انخاقان مضان آقاسی سرتب تو سخانه مبارکه و
عالیجاهان آقا رضا خان نایب اجودان باشی و میرزا علی
سرتبک قورخانه تنبیه نظامی کامل از آنها بعلل آوردند
و چهار نفر از آنها هم که سخته و شاهزاده عبدالعظیم
سرتب رفته اند و سخته بگرفتند آنها کاشته شده و هنوز
بست نیامده اند و دو نفر صاحب منصب در میان
این نور خاچیان بودند آنها هنوز تنبیه نشده اند

۷۷۰

نواب شاهزاده آنها را در حضور خود میخواند تنبیه نمایند
درین اوقات ماه مبارک رمضان که شبها را مردم
پدارند اوقات خود را به تفریه داری جناب سید الشهدا

مصرف میباشند و در بعضی از محلات و جایهای شهر
مجلس روضه خوانی بود و در بعضی تکایا نیز شبیه در می آوردند
چون صدای طبل و شیپور که در شبیه میزنند در شب غلام
قانون نظام و منافی نظم شهر بود و احیاناً باعث تشویش
بعضی از نسوان و اطفال می شد لهذا دیوانیان عظام حکم نمودند
که شبها شبیه در آوردن موقوف باشد و مردم در
تکایا و مجالس تفریه داری جناب سید الشهدا علیه السلام
درین لیبالی بروضه خوانی اکتفا نمایند

اگر حجرات کاروانسرا ماه و کاکین بازار دارالخلافه
درین روز ناست است و اغلب مردم یا بسبب با
یا بسبب گرمی هوا که سه ساله درین فصل بیرون میروند این
اوقات بیرون رفته اند اما قورخانه و جنبه خانه دولتی
نشوده و در کار است و اصناف و عیال کارخانها
شغول کارهای خود میباشند و عالیجاه حاجی محمد حسین
جبه دار باشی پوسته لنگ سربازی خوب در جنبه خانه
باتمام رسانده و هر روز دسته دسته بامتحان
میرسانند و تفنگهای فوج قزوین را درین روزها از جنبه خانه
مبارک دادند

در نزدیکی دروازه شاهزاده عبدالعظیم چند کارخانه
صابون پزی و شستامی و دباغی و غیره بود که عفونت
انها باعث از دیادنا خوشی در اطراف آنها شده بود
حسب حکم دیوانیان عظام چند روز این کارخانها موقوف

نشد و در همان چند روز هم ناخوشی در اطراف آنجا
تخفیف کلی یافت باز دو باره اهل این کارخانه کارخانه
کسوفه مشغول کارهای خود گردیدند و در همان روزها
نیز دو باره شدت نموده قریب بده نفر تازه در
اطراف ناخوشی گرفتند این مرحله بدیوانیان عظام معلوم
گردید. حکم شد که کارخانههای مزبور درین اوقات
و کارشان موقوف باشد و از آنوقت که باز موقوف
گردید ناخوشی نیز در آن اطراف تخفیف یافت و بعضی
کمال وضوح راهبر ساند. دیگر آن تجربه شده است
که شسته و رفته و پاکیزه نگه داشتن حیوانات و منازل و
در تخفیف این ناخوشی بسیار فایده میکند و بخلاف آن
ارتفاع سنجارات از هر چیزی که در هوا احوال عفونت
نماید هوا را آلوده و باعث اشتداد و زیادتى
این ناخوشی میشود

درست لغوت و زمانای در بنامه اندور مریضخانه میباشد
سایر ولایات
چند وقت قبل ازین مذکور بود که در قزوین در شمالی ناخوشی
و بار روز کرده است و لکن از قراریکه درین روزها خبر
در قزوین مطلقاً نیست و اگر هم بوده است بسیار
بوده است و از خسته و زنجار سم نوشته بودند که
ناخوشی و باد آنجا بروز کرده است مفضلاً خبر صریحی
از این ولایت میباشند روزنامه رسیده است و لکن
ظاهراً اگر در آنجا هم بروز کرده باشد شدتی نداشته است
و هم چنین در کاشان چندی پیش ازین از قرار
ناخوشی شدت داشته و میگفته اند که در قسم اصفهان
و زمان و استهبان هم بوده است و لکن چون درین باره
بفصیل روزنامه از این ولایات نیامده است گویا شدت
چندان نداشته است

مازندران

از قرار روزنامه مریض خانه دولتی که نوشته بودند
در این اوقات عالیجاه میرزا محمد ولی حکیم با شی نظام
و سایر طبیبان سپرده بجالیجاه مشارالیه نهایت
اهتمام در معالجه و مداوای مریضهای افواج و غیره نموده
دش بهار ام در مریضخانه مانده و کمال سعی و کوشش
نموده اند و سوائی مریضی نظام از غربا و ساکنین نیز که
ناخوش شده و با سنجارفته است جد و جهد تمام در معالجه
مداوای او نموده اند و چهل نفر مریض که مرض آنها دخلی به
ناخوشی و باند داشته است در مریضخانه معالجه و مداوا شده
و صحت یافته مرخص گردیده اند و چهارده نفر دیگر نیز درین
روز با بصحت پیوسته اند که بسبب جننی وضعی که دارند و هنوز

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شده بود
خلعت عبیدی نواب مستطاب شایباده و الا سار علی
حکمران مازندران که از دربار جایون مرحمت و ارسال
بود بقریه سنج کلا که در دو فرسخی شهر واقع است رسیده
نواب مرتضی الیه با جمیع اعیان و اشرف و محال با
خلعت در قزوین مزبور. خلعت مهر طلعت را با احترام
توقیر تمام پوشیده و مراجعت شهرساری کرده اند
و در باغ ملک آرا صفت مشرت و شیرینی نموده انواع
تذیقات و شادمانی را معمول داشته اند و لازمه توقیر و احترام را
از خلعت جایون عمل آورده و در سبب برود و در وقت تدارک ساخته اند

۷۷۱

۲

خراسان

از فرار که در روزنامه خراسان نوشته شده بود بعد از آنکه
 عالیجاه شعبانعلی خان نزدیک یکی هرات رسیده بجا که از
 جانب سنی بخواست اعلیحضرت پادشاهی بجهت عمده الامرا و
 سید محمد خان ظهیرالدوله مرحوم شده با نجا رسیده بود
 ظهیرالدوله آدم فرستاده بود که کالک را در یک فرسخی
 نگاهدارند تا لازم تو قیود احترام و استقبال معلوم آید و داد
 کشیده بودند که انامی کلا از دروازه بیرون رفت تا کفر
 شهر بقانون نظام با نظم و ترتیب بایستند بعد از آنکه
 و اسباب استقبال بطوریکه قرار شده بود مهیا گردیده است
 عن الامرا العظام ظهیرالدوله از شهر بیرون آمدن با استقبال
 کالک رفته بود و سنور بجا که نزدیک از اسب
 شده چند قدم پیاده رفت بجا که رسیده لایحه
 معل آورده و اظهار کمال شکر گذاری از مرحمت تو کانه کرد
 بعد در کالک نشسته بجهت پادشاهی مردم کالک را
 میبردند تا اینکه داخل دروازه شدند و از فرار
 نوشته بودند عالیجاه عباسعلی خان که از هرات احضار
 بجا که بسایون شده بود چند نیت که از آنجا بیرون
 آمده و وارد ارض اقدس گردید است
 و بیکر نوشته بودند که میرزا محسن نامی بر قهای خود گفته
 که مردم بگویند که هر کس در خواجه ربیع شراب بخورد
 فی الحال بسزای معصیت خود خواهد رسید من عهد امیر
 و در آنجا شراب بنورم میبوسم چه میشود نوشته بودند که
 عرقی برداشته رفته بود بالای ایوان خواجه ربیع و در آنجا
 مشغول شرب گردیده بود لکن گفته شد که از بالای ایوان

۷۷۲

سرازیر شده و بر زمین افتاد و بخشش از دهانش سر
 آمده و تلفش بود و بخشش او را که خواسته بودند
 رواق حضرت امام ثامن علیه السلام نموده طواف چند
 و بیرون بیرون مردم مخالفت نموده و نگذاشته بودند
 در سایر آداب میت هم مخالفت کرده و گفته بودند
 که کسی که دارای اینگونه اعتقاد باشد او را میت
 میت و نماز و تلقین هم هیچ فایده باحوال او نخواهد
 دیگر از فرار که نوشته بودند امر قشون خراسان در
 نظم و انضباط است و از احدی میبگذرد بی اعتدال
 نسبت مردم آنجا صادر نمی شود و اگر بذر است امری
 بیفتد فی الفور بایستتاب هزاره و الا بتار حرام
 و الی مملکت خراسان و مقرب اسحاقان علیعلی خان
 میرنجه بمقام رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند
 از یک نفر سرباز صدمه پای یک نفر همه فروشش وارد
 آمده بود و پای سیمه فروشش گشته بعد از آنکه مراتب عرض
 معزی السیمه رسید بمقرب اسحاقان علیعلی خان میرنجه
 قدغن کرده بودند که سلطان آن سرباز را اخراج کرده
 و از خود آن سرباز هم دیده پای همه فروشش را حکما
 بیکر و میرنجه هم دیده پای سیمه فروشش را برضای او
 بمسئلی مصیحت کرده و گرفته داده بود و ستر او
 بود که مادامیکه پای او خوب نشد همان سرباز
 از عهد و مخارج معالجه پای او براید تا وقتی که پایش
 خوب نشود و بجهت آنها باطن میراستظام امر نظام دیگران
 خلاف قاعده ناسی نمی شود

اجرا ردول خارجه

انگلیس قسود نامی که بزرگ یا عیان مجاز بود
 و حال در مملکت انگلیس میباشد درین روزنامهها
 و گفتگو در دولت انگلیس گردیده است در خانه شخصی
 نزدیک بشهر لندن چند هزار فشنگ حبسکی یافتند چونکه
 انسانی دولت خبر داشتند که فشنگ حبسکی در آنجا
 ساخته میشود چاکران دیوان را با بنجا فرستاده و
 ضبط کردند و معتاد و صندوق یافتند که همه برار فشنگ
 جنکی بود و دو هزار شماره نارنجک که هنوز اجرا بیانش
 بر کرده بودند و معتاد و پنج من باروط و سایر اسباب
 و اجزای پر کردن چهاره نارنجک و ساختن فشنگ
 در آنجا پیدا کردند و چند هزار فشنگ جنکی حاضر و تمام کرد
 در آنجا موجود بود قسود آنکار می کند که این اسباب مال من
 است و صاحب کارخانه نیز آنکار می کند که مال قسود است
 و خودم بجهت فروش ساخته ام و بنا داشتم بدولت
 بفروشم و اگر دولت انگلیس خریدار نشود آنوقت اذن بکرم
 که بدولت دیگر بفروشم اما انسانی دولت انگلیس متحفظ بود
 که هیچی ضبط نمیکند خانه و حیاط و هر چه در او بود ضبط
 کردند بعضی از چهارای نارنجک بهمان قالب و ترکیب
 یافتند که درین اوقات در اقتصادشن بر و سینه در نزد
 آنجا حبه بودند و فشنگ حبسکی را هم بطرح تازه ساخته
 که اختراع خود صاحب کارخانه مزبور بود چونکه بجهت خوب
 که بدیناله فشنگ نصب می کنند محل و نقلش در جنگ
 مشکل میشود این شخص فشنگ حبسکی را بطوری ساخته است
 که در وقت انداختن احتیاج بچوب نیست و دنباله انداختن

و در انداختن چرخ میخورد مانند گلوله که از فشنگ سسش خوان
 انداخته میشود با بجهت در مشورتخانه انگلیس در سر این گزارش
 بحث و گفتگو شده است بعضی از اهل مشورتخانه گفته اند که معلوم
 و ثابت شده است که این اسباب مال قسود بوده است
 میخواسند است بملک نشسته بفرستد یا نه درین صورت
 انسانی دولت که آدم فرستاده و آن خانه و حیاط و هر چه
 در او بود ضبط کردند علی کرده اند که خلاف قانون آزادی
 ولایت انگلیس است اما از قرار اکثر روزنامهها که درین خصوص
 چاپ زده اند واضح است که این چهارای نارنجک و فشنگ
 جنکی و سایر اسباب را بجهت قسود نام تارک نموده بودند
 و میخواسند از ولایت خارجه بفرستند
 بتاريخ روز دوشنبه نهم ماه رجب مستر کلایستون وزیر
 محاسبات ولایت انگلیس دستور العمل داد و رسیدن
 و جمع و خرج سال بود دولت انگلیس را مشورتخانه آورده و
 فقره بفقره بابل مشورتخانه مفصلاً تقریر و خاطر نشان نمود
 و چهار ساعت و نیم مشول خواندن دستور العمل و کشف
 داشتن آن بابل مشورتخانه بود از جمله مخارج که بر او کرده
 بود یکی این فقره بود که در سال گذشته داخل دولت انگلیس
 یازده کرو زود و یازده هزار تومان بحساب پول ایران از
 مخارج زیاد تر بود اما سال موافق دستور العمل که کوشش
 کو باید داخل از سه کرو بیشتر از مخارج علاوه نیاید و این
 تفاوت نسبت این است که مالیات و داخل دولت
 انگلیس کم شده باشد بلکه سبب مخارج زیاد است که
 سال بحسب صلاح و صوابدید و زرا لازم داشته و زیاد
 کرده اند و سبب این اخراجات زیاد این است که بخوابند

ملکت انگلیس را طوری نگاه دارند که اگر خدا نخواهد
چکی اتفاق بیفتد سیصد هزار قشون خشکی و صد هزار قشون
سجری باند ارکات لازمه آماده و مهیا داشته باشند

فرانس

در روزنامه پاریس پای تحت ایولایت نوشته اند که
درین روزها چند نفر از مفسدین با که بنای آشوب و اغتشاش
داشتند و نوشتجات آنها نیز مفسدین که در دول
خارج بودند آمد و رفت می نمود در پاریس گرفته اند
مردم درین خصوص قدری خوف و احتیاط کرده اند
که شاید مفسدین در همان اوقات بنای آشوب و اغتشاش
داشته باشند و لکن از فرار یک در روزنامه فرانس
نوشته بودند معلوم نبوده است که مفسدین در آن اوقات
بنای افتاد داشته باشند اما انسانی دولت فرانس
گرفتن اشخاص مزبور را لازم داشته بودند

درین روزها ایچی از جانب پاپای روم به پاریس پای
فرانس آمد و بحضور اعلیحضرت امپراطور فرانس رفته بود
در وقتی که چند نفر از اقوام امپراطور از انسانی دولت
فرانس حضور داشته اند و کمال اعزاز و احترام از
جانب اعلیحضرت امپراطور نسبت به ایشان شده بود

استریه

امپراطور این ملکت چنانچه در روزنامه های سابق نوشته
از زخمی که برداشته بود بکلی صحت و بهبودی حاصل نموده
موافق قاعده سابق که داشت روزی چند ساعت در اطراف
باستیانها و جهای شهر پیاده گردش میکرد
باین دولت نیز خصوصاً دو لیتین استریه و پروویا

درین روزها گفتگویی شده است در خصوص اینکه بعضی از
جمیت رعایا و صنایع کاران را که در ملکت متجمع میشوند
موقوف دارند چون اگر صنعت کاران و اصناف در
میان خودشان قرار گذاشته اند که صنایع و صنایع جمع
بشوند

و هر کس موافق قوه باختیار خود پولی در آنجا بیاورد
که اگر یکی ازین اشخاص ناخوشش بشود ازین پول مخارج
بدهند که در ایام مرض عبرت و تنگی نگذازند یا اینکه یکی ازین
اصناف اگر بیکار بماند دیگران باید سعی کنند و کار و شغلی
از برای او پیدا کنند که بی کار نماند که از زمان بیعت و اگر نتوانند
چیز جزئی ازین بخواه باید بدهند که خود و عیالش عسرت
نکشند دیگر اگر یکی ازین اصناف بپیرد ازین وجوه است که
بهنقه بنفقه جمع میشود مخارج کفن و دفن او را بدهد که عیال او
ازین مرحله در رفاه باشند این قواعد که داشته بودند
همه خوب بود برای خودشان نفع داشت و بدیوان
صزری نداشت و لکن درین روزها در ملکت منتهی این
معلوم گردیده است که اصناف بهمانه اینکه جمع شده
در امورات کار و کسب خودشان مصلحت و مشورت نمایند جمع
میشوند و در خصوص امورات دولتی با هم مصلحت و مشورت
می کنند که شاید طوری نمایند که گفتند و اغتشاشی در
ولایت برپا بشود ازین جهت دیوانیان آنجا میخواهند
جمع شدن اصناف آنولایت را در یکجا موقوف دارند
و درین باب از هر یک از دولت مشورتی بجای می آید
دولت که در مشورت نوشته اند فرستاده شده اند
در یکی از روزنامه های وین پای تحت استریه نوشته بود
که فریبنی نام که بزرگ مفسدین ایتالیا بود و مرتی بملکت انگلیس

فرار کرده و پناه بان دولت برده بود حال در مملکت ساری
و در بین انقشاش شهر میلان نیز در آن اطراف بوده است
و باز هم در هاجناست و لیکن مخفی است بطوری که انقشاش
دولت در پست نمیدانند که در کجاست

عشما ششم

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که والده اعلی حضرت سلطان
در شب دوشنبه بیت و سیم ماه رجب در عمارت
سلطانی که عمارت چراغان می نامند وفات یافت
و چهل و شش سال عمر کرده بود و چون بصفت سخاوت و
احسان بفقرا و مساکین و اقدام باعمال خیر و ثواب مشهور
بود کل اهل آنجا از وفات مشارالیه بسیار متاثر و
متأسف بودند از جمله کارهای خیر و ثواب او یکی بار خا
که بجهت مرخصی از بر قسم و از هر مذمت و ثمت که باشد ساخته
که با آنجا رفته معایجه ودا و ابشوند و مدرسه هم ساخته است
که قریب چهار صد نفر طلب در آنجا درس میخوانند و
سایر اعمال خیر و احسان بفقرا و مساکین نیز جمعی بود
نقش او را با کمال اعزاز و اکرام برداشته و در گشتی کشته
میان اسلامبول آوردند بجانی که توپ قاپی میکوبند و او را
با جمیعت و از دو حامی برداشته و در نزد یک فرمر حرم سلطان
دفن کردند شیخ الاسلام و وزیر اعظم و سایر روز
و علما و چاکران دیوان و جمیعت زیاد از اهل آنجا در بیجا
جنازه و دفن او حاضر بودند

هندوستان

تاریخ آخر روزنامهها که ازین ولایت رسید از بیجا
هیچکس جمادی الثانی بود و از برمه بیت و نه جمادی الاول

و از آنجا که چین سلج نامه جمادی الاول در خصوص جنگ
مملکت برمه درین روزنامهها نوشته اند که درین روزنامه
جنگ دولتی شده بود و لیکن قشون پادشاه برمه که مرخص
شده بودند دسته دسته که در آن ولایت کشت و جو
میکردند آنجا را تا تحت و غارت می نمودند چند دسته
از قشون انگلیس نیز حسب احکام صاحب منصب خودشان
از عقب این اشخاص رفتند از هندوستان درین
روزنامهها چیزی نوشته اند که قابل ترجمه کردن باشد

چین

درین مملکت چنانچه در روزنامههای سابق نوشته شده
مدتیست که در بعضی از بلوکات آنجا مردم از پادشاه با
شده اند و با قشون دولتی جنگ می کنند و درین روزنامه
بعضی جاها بقشون پادشاه سنگت داده اند و یک شهر
بزرگ که نام او ووچنگت فو است بنام یانغیان افتاده
و از هزار یک معلوم میشود و درینست که یانغیان بقشون دولتی
غالب بیایند و پادشاه آنجا را از تاج و تخت میزدارند
سلسله پادشاهان حالا که در چین سلطنت می کنند از
طایفه منچوی تاتاریستان می باشند که تخمیناً در
سال قبل ازین از تاتاریستان حمله بملکت چین آورده و
بجنگ و غلبه سلسله پادشاهان قدیم آن ولایت را از
تاج و تخت انداخته و یکی از تاتاریها پادشاهی چین
برقرار شد که تا حال اولاد او در آن ولایت سلطنت می کنند
و طایفه تاتاری از آنوقت صاحب ولایت چین شده اند
و بسیار شجاع و رشید و صاحب شهنشاهند و لیکن تخمیناً
چین حقیقت تاتاری بسیار کم است بلکه کمتر از انگلیسها در هندو

۷۷۵

ملکت داری می کنند نسبت به بیعت و ستان در چنین قشون شبیه
 اگر صاحب منصبان شجاع که دارند از این طایفه چوئی تا نازند و لکن حکام
 ووزرا و سایر اناسی دولت از این خود چوین انده حال کسی نمیدانند که سبب
 شدن اهل چین این است که میخواهند تا ناز را از ناز و تحت بند از ناز
 سببی بگردانند باشد حال چندان است که این با عیگری در آن ولایت است
 و با عیان شخصی بجای پادشاه بزرگ برداشته اند و لکن خود را بکل
 القاب پادشاهی نعت کرده است و میگوید پای تخت را تصرف نمودم
 القاب را نسبت بخود مناسب ندانم و اسم این شخص طین طه است اول
 جنگ و آشوب در دست خوبان مملکت بود با عیان کم کم بستانال که طر
 پای تخت است فقد در فصل پانزده سال شهر و جنگ را تصرف شدند
 این شهر در وسط مملکت چین است و در کنار رودخانه بزرگ که از آنجا میگذرد
 اکثر تره و خلق و حمل و نقل بارها بملکت چین ازین رودخانه و نهرهای دیگر میروند
 از شهر تا نیکین که یکی از بزرگترین شهرهای چین است صد و بیست و پنج فرسخ
 دور است و چونکه این رودخانه از دوشهر میگذرد رفتن با آنجا آسگالی ندارد
 و بعضی میگویند که شهر تا نیکین نیز تصرف با عیان افتاد است جمیع با عیان
 پنجاه هزار میگویند اما این جمیع نسبت به چین که خلق زیاد و قشون دولتی
 دارد بسیار کم است و قشونی که پادشاه چین در بر و آتنا فرستاده بود
 از پنجاه هزار کمتر بوده اند و مردم سست پای تحت بسیار خوف و شرم
 کرده بودند و معلوم نیست ابداً سبب این آشوب چه بوده دیوان در ولایات
 زیادتی نموده و ظلم هم بکسی نکرده است در مملکت چین قنار دولت نسبت بخلق
 با کمال عدالت و انصاف و خوش سلوکیست اما این شخص طین طه نام که بزرگ
 با عیان است در یکی از فرمانها که نوشته و میان مردم منتشر کرده است
 بخلق وعین کرده است که اگر کارشون پیش رود و پادشاهی برسد
 با تالیات فراری دیگر بد که نسبت بخلق قدری رفاه باشد و در خصوص
 عدالتخانه هم فراری بگذارند که سپند خلق باشد و اینها را بخلق نوشتند

داد و است که مایل باو بشوند اگر چه این جنگ و آشوب مملکت
 چین هیچ مناسبتی با اهل دول خارجی ندارد زیرا که معلوم است که
 هر کس در آن ولایت پادشاه باشد رفتارش با دول چنانچه
 با نظر که مست خواهد بود اما ضرر این اعتقاسش عاید دول چنانچه
 بخصوص دولت انگلیس خواهد کرد بد سبب این که اعتقاسش در میان
 ستمهای ولایت چین است که حاصل چای از آنجا بکل می
 رود و در غنای که اگر این اعتقاسش رفع نمکد و چای کم یاب
 شود و چونکه یک مالیات عمده در ولایت انگلیس از کم
 چای است اگر چای کم یاب شود هم ضرر بد دولت و هم
 بخلق انگلیس میرسد حالا این آشوب در وسط مملکت چین است
 از آن سبب خبر درست ندارند و از کدازش از آنجا
 همین قدر که نوشته اند خبر دارند و لکن اگر منتشر شود
 شهرها و جاها می که نزدیک بکنار دریا هستند آنوقت خبر
 صریح از آن ولایت خواهد رسید

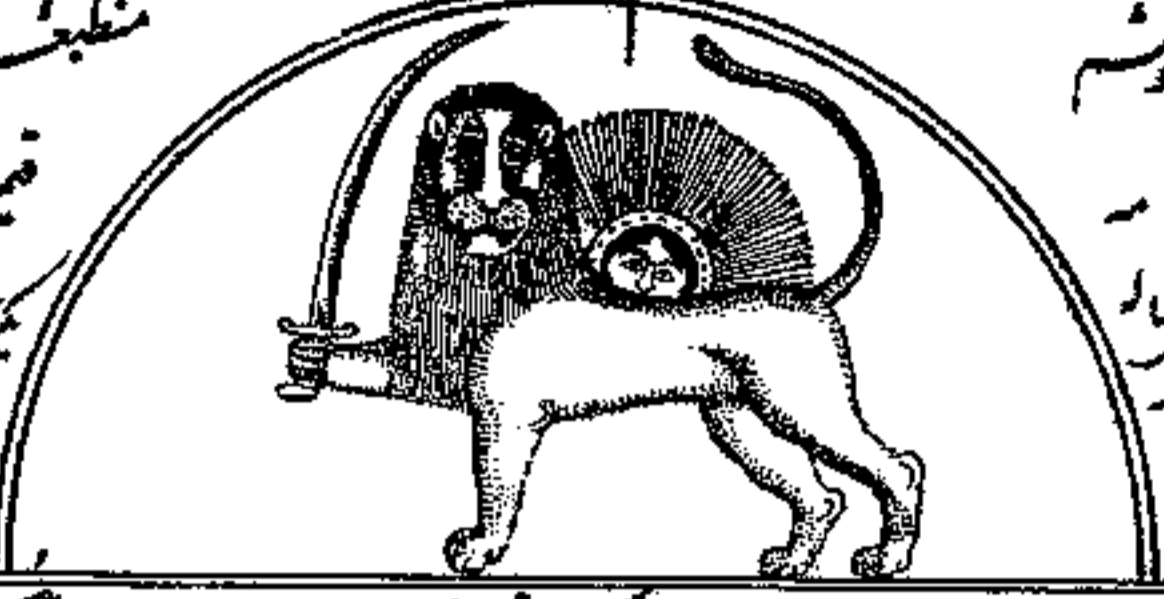
اعلانات

کتابهای چاپی دارا اختلاف طهران که در کارخانه حاجی
 عبدالمجید با سه صد و سی در محله نزدیک دروازه دولاب
 الطباع شده از این قرار فرجسته میشود

مجالس المتقین دو تومان و دو ریال	۱۰۰
حاشیه شیخ محمد تقی بر معالم دو تومان و نیم	۱۰۰
سما عالم جلد چهارم بحار الانوار سه تومان و دو ریال	۱۰۰
تفسیر امام حسن عسکری یک تومان	۱۰۰
شاهنامه چهار تومان و نیم	۱۰۰
ختمه نظامی نه هزار	۱۰۰
دستان یک تومان	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم ماه رمضان المبارک مطابق سال اول

نزد صد بیت و ششم
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شاهی
تفاوت چهار شاهی



منطبقت دار اختلاف طهران
قیمت اعلانات
بسیار است
بسیار است

اخبار داخل ممالک روسیه پادشاهی

دار اختلاف طهران

از اردوی هاپون اعلیحضرت پادشاهی که در شکارگاه
لارشریف دارند درین روزنامه نوشته بود که تو
فیروزی کوکب سبکی از سیلاقات شیران غنیمت داشت
که شریف بیاورند و نواب سبکتاب شاهزاده والا تبار
از شیرمیرزا صاحب اختیار دار اختلاف طهران
حسب الامر هاپون آدم بدات شیران فرستاده
که در باب ناخوشی تحقیق و رسیدگی کامل نمایند که
از دات مزبور بالمره رفع شده باشد یا نه از قرار
معلوم شده است از دات شیران ناخوشی و نا
رفع شده است و بیچ نیت و مکان کلی هست که در
روزگار دوی سماپون به نزدیک سوگاتک شیران
و آن اطراف نزول اجلال فرماید
ناخوشی و باد در اختلاف طهران در اوایل ماه مبارک
قدری شدت کرده بود و روزی قریب بی نفرین
بعد از آن کای منزل کرده و پانزده نفر رسیده و کا
بالا رفته نزدیک بی نفر رسیده است و کلن از بی نفر

بالا تر زفته است در دات اطراف هم از اکثر جاها
بالمزور رفع شده است و اگر هم در بعضی دات
بسیار کم است اما از قرار یک این روزنامه خبر رسیده است
در دات اطراف و حول و حوش قزوین ناخوشی
هست سهل است که شدت دارد بطوریکه نوشته بود
از یک ده در یک روزش نفر مرده اند و در محال
هم ازین ناخوشی بوده است از مازندران هم
نوشته بودند که این ناخوشی در آنجا نیز بود و با کرج
اتولایت افتاده بود و لیکن مانند سایر ایالتها
ناخوشی است و در قریه امام زدیگ با آنجا که اردو
هاپون توقف داشته است بعد از حرکت موکب فیروزی
لوکب شکارگاه لار ناخوشی بروز کرده بود و نسبت به
آنجا شدتی هم داشته است و در بعضی دات دیگر
و آن اطراف هم کم و بیش ازین ناخوشی بوده است
و در کن و سوتغان هم چند نفر ازین ناخوشی گرفته
بودند و لکن صحت یافتند و خوش شدند در میان
دور دار اختلاف که در سر از خانهای دور شهر و دور

۷۷۷

در باره پادشاهی و
در باره بی بی نازکون
ایران

شهر اردو دارنک و قی شدت داشت حال از بعضی
بلده رنج شده است که در میان دو فرج کزاری که بالایی
ایلیخانی نزدیک است بجای کناره قاسم خان
ار دوزده اند که باز کم و بیش ناخوشی در میان آنهاست
و هم چنین از فرج فدوی قراکوز که قراول قراونجانی
شهر نیز چند نفر ازین ناخوشی درین ماه مبارک تلف شده

درین روزها که خبر ناخوشی در میان فوجا شیوع هم رسانده
بود اعلیحضرت پادشاهی از راه حیرت مقرب الخاقان
محبلی خان میرنچه را با حوال پرسی قون متوقف اعراض
دار اسخلاف طهران بشهر فرستاده بودند و عالیجناب
وارد اطاق نظام گردید و کل صاحب مضمان نظام
و غیر نظام را در اطاق نظام جمع آوری نموده التفات
شایان را بایشان رسانیده و احوال پرسی کرد و
این مرسد سبب آوری و مزید شکر گذاری جمیع
گردید

تو استغاب شاهزاده و الایبار اردشیر میرزا حکمران
دار اسخلاف طهران و توابع درین اوقات مغمه بگرد از فضا
و علما و اعیان و تجار و مالی شهر احوال پرسی می نمایند
نسبت با مالی شهر و بجوی و بهرانی می کنند

جناب حاجی سید نصر الله مجتهد که درین اوقات هم اول
ذکور و انات ایشان درین ناخوشی وفات یافته اند
از جانب سنی البجواب اعلیحضرت پادشاهی بصدور دستخط
مبارک مسنی بر التفات ذوی بجوی و اعطای عسای ترمه
و خرجی ایام پیام قرین اعزاز گردیدند

و هم درین اوقات از جانب اعلیحضرت پادشاهی
برای خیر و جود تصدق و جود طایون و اتفاق فقرات
مقرب الخاقان میرزا موسی و زبرد اسخلاف طهران و توابع
اور دوزده و مقرب الخاقان مشارایه نیز خدمت علمای
مبین و شهادت بقرا و ارباب احتیاج رسانیدند
دیگر درین اوقات که مردم تسویش ناخوشی طرفه اند و اکثر عمارت خانه
و کالین تحوط درستی دارند و استغاب اردشیر میرزا آور داده اند که

گرفته ای شهر که شبها پاسل موال مردم را میزند روزها هم از شهر
خبردار با که خسارتی کسی نرسد و در از انی این خدمت بر مردم آنها

سایر ولایات

درین مهته از سایر ولایات اخباری نبود که در روزنامه

اخبار دول خارج

انگلیس

موافق خبر آخر که از ملک ستن امید آن بود جنبی که بل
انگلیس تی بود که با سیاهای وحشی حشامی کوهستان و
جنگلهای آن اطراف داشتند تمام شده بود و در کار بود
که سرحد خاک دولت انگلیس را با خاک آنها مشخص نمایند
که دیگر قطع بحث و گفتگو بشود و دولت انگلیس درین
سیار خسارت کشیده و متضرر شده اند و این کار
دولت انگلیس بر جای رسیده خبر گردانند
که اگر بعد ازین دیگر در ولایت رس امید با این
سیاهای جنگ و زد و خورد اتفاق بیفتد یا
خود رعایای ولایت رس امید از عهد و اجازت
جنگ بر چه میشود بر ایند که صدر سخرانده دولت انگلیس
نرسد و دولت سخته جنگ اولایت متضرر نشود

و از پیش خبر کرده اند سخته اینکه اهل استخا که عابای دولت انگلیس
بطوری با سببهای وحشی انولات که جنگ بگردند سگ
نماند که باعث بر سحر کی و جنگ دوباره نشود و ولایت
خود را نیز محافظت کرده باشند

مربور فرستاده شده است
دولت استریه از ایامی که اهل فرانسه شارل نهم پادشاه
فران را از انولات بیرون کرده و لویی فلیپ را بجای او
برقرار نمودند دیگر نشان منصب مالی دولت فرانسه را

در مشورستان انگلیس گفتگو و بحث شده است در خصوص اینکه
چند وقت پیش ازین اعیان تجار شهر لندن بفران رفته
و عریضه بامپراطور فرانسه داده و اظهار دوستی اهل انگلیس
نسبت بابل فرانسه کرده بودند و این تفصیل در ضمن

باین سبب که بیرون کردن پادشاه فرانسه و برقرار
نمودن لویی فلیپ بجای او خلافت قاعده موروثی
پادشاهان فرانکستان میدانند اما نموسود لاکور که از
جانب دولت فرانسه درین ایام سعیر کبریا مورثاقت و

گذشته نوشته شده است حال اهل مشورستان پادشاه
انگلیس بگویند که رفتن اشخاص مزبور بسای تخت
فرانسه و دادن عریضه بامپراطور فرانسه بدون
اذن پادشاه انگلیس خلاف قانون دولتی و

پای تخت دولت استریه بود و وقتی که از دولت مزبور
بهمان منصب مامور سفارت دولت عثمانیه
از جانب دولت فرانسه گردیده بود در وقت
مرخصی از دولت استریه از جانب اعلیحضرت امپراطور

سنائی احترام پادشاه انگلیس بود زیرا که در کل
دولت رومی زمین قاعده این است که گفتگوی مابین
دولت از پادشاه پادشاه می شود و نوکر یا رعیت
حق از ابدار که بی اذن دولت خود در اینکه مطالب

استریه نشان اعلی با التفات شده بود
احوال مسفره
در بعضی مالک کز سیرت موریا میان تیرای سق و غیر خانها
میخورد و بسیار ضربه خاها میرساند چونکه مغز تیرا میخورد و از بیرون معلوم
نست یک وقت خجیر تیرای شکند و خانه خراب میشود و حیوانات
آدم در زیر خرابی مانده تلف میگردد حال شخصی در ولایت

با دول دیگر اقدام در گفتگو و قرار نماید و درین باب در مشورستان
انگلیس گفتگو و بحث و تحقیق بود
استریه
چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده او درین نام
صاحب منصب دولت استریه بسبب شدتی که در گرفتن
آن منفعت حجازستانی که بامپراطور روم زد و بعل آورده بود

فرانسه در باب علاج موریا نه تدبیری اندیشیده است
که خوب از آفت موریا نه سالم بماند و نوشته است که
سجارت بسیار با یا جو هر کو کرد که موریا نه بسجود همه
هلاک می کنند و اگر کسی احتمال بدد که در میان تیرای
عسارت او موریا نه افت او باشد جو هر تین دو بار
که نوشته شده است بکار برود اگر موریا نه باشد حکما
هم تلف خواهند شد چون که عیب نمیکند

از اکثر پادشاهان دول فرانکستان نشان یافتند
و درین روزها از جانب پادشاهان دولتی بر روی
و پیشاپیش نیز از هر یک نشان اعلی سجد صاحب منصب

هلاک می کنند و اگر کسی احتمال بدد که در میان تیرای
عسارت او موریا نه افت او باشد جو هر تین دو بار
که نوشته شده است بکار برود اگر موریا نه باشد حکما
هم تلف خواهند شد چون که عیب نمیکند

بعضی از پرده های نقاشی ایام قدیم در فرنگستان درین روزها
 قیمت بسیار زیاد فروش می شود یک سبب این است
 نقاشی این ایام نسبت به کارهای قدیم خیلی متزلزل کرده است
 نقاشان این ایام خوبی پرده های کاغذی نمی توانند بسازند سبب دیگر آنکه
 فرنگستان این اوقات در طلب و خرید پرده های قدیم کرده اند
 یک پرده کار با تو نام که نقاشی بوده است از اهل ابطال بود
 پرده مال مرسل ملت بود درین روزها به پنجاه هزار تومان چیزی
 حساب پول ایران فروخته شد است تاریخ و صفت آن نقاشی
 مزبور صد و هشتاد سال پیش این ایام است و از فخرانی که در اینجا
 معلوم می شود که در آن ایام اینقدر پول به جای این پرده انداخته
 زیرا که نوشته است در صفت نامه اش که پرده بجهت
 کلبت با نقاشی شده قیمت نهصد و الار پول آن ایام که تخمیناً
 چهار صد و پنجاه تومان بحساب پول ایران با دوازده تنخواه
 و الازبه نقاشی مزبور رسیده و شصت و الار طلب و باید
 و سایر پرده های بزرگ و کوچک هم همین نسبت قیمت
 و بعضی کوچک هم بوده اند که بی و دو و الاز فروخته

تخمیناً هفتاد و پنج فرسخ از دریای دراست و ارتفاعش
 سحر عجیب است و ذریع بلند تر است این اشخاص حال بنا دارند
 که بجهت راه آب از خودن مانند جوشیده بسازند و آب را از زیر
 بیخ سنجاک به طلبه حرکت میدهند بشهر پاریس بیاورند و خرج
 ساختن این راه را با شصت و چون چهار صد هزار تومان یک کرده
 بحساب پول ایران بر آورده اند و خان میدانند که نفع
 کند چون که بعد از ساختن در رسیدن آب دریا بشهر پاریس
 از هر کس که نخواهد میان آب برود و وجه جزئی خواهد
 میخیزد چنانکه کمر ستارای دنیا که دارا که چندی کاهی شده است
 میزند و مدت محبتی دارد وقت پیدایشن و امتداد آن
 تا وقت غایب شدن و بعضی این ستارها هر چهار صد سال
 پیدا میشوند و بعضی روزی و بعضی دیرتر درین روز در فرنگستان
 یک ستاره دیده اند که دو سال قبل ازین ایام پیدا شده
 بوده است و میخیزد آن ایام وقت پیدا شدنش را دو باره در دو
 سال بعد که این ایام باشد نوشته بودند و امسال که منجمین
 متخصن او بر آن دیده اند چنان دور بوده است که بی دور
 چشم می آید است در بعضی شهرهای فرنگستان دورترین

و دیدند
 اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید با سببی در محله
 نزدیک دروازه دولاب الطبساع شد از این قرار فروخته شود
 شاهنامه چهار تومان و نیم
 خست نظامی نه هزار و پانزده
 دیستان یک تومان

بعضی از اطباء در فرنگستان فتن میان آب سحر عجیب را که شورا
 بسیار میخیزد مانند بخصوص برای کسی که ضعیف المزاج باشد میگویند
 که مزاجش را قویتر کند و این سبب بعضی از مریضها را در تابستان
 بکنار دریا میفرستند که در آنجا روزی یک قدم بیاورند و در میان
 آب دریا بروند و چون رفتن بکنار دریا برای همه کس غیرست
 مسئله دارند و بعضی مضایقه اندازند لهذا اشخاصی چند در شهر پاریس
 پای تخت خزان خجال کرده اند که آب دریا را بشهر پاریس
 که هر کس نخواهد در شهر میان آب دریا برود شهر پاریس

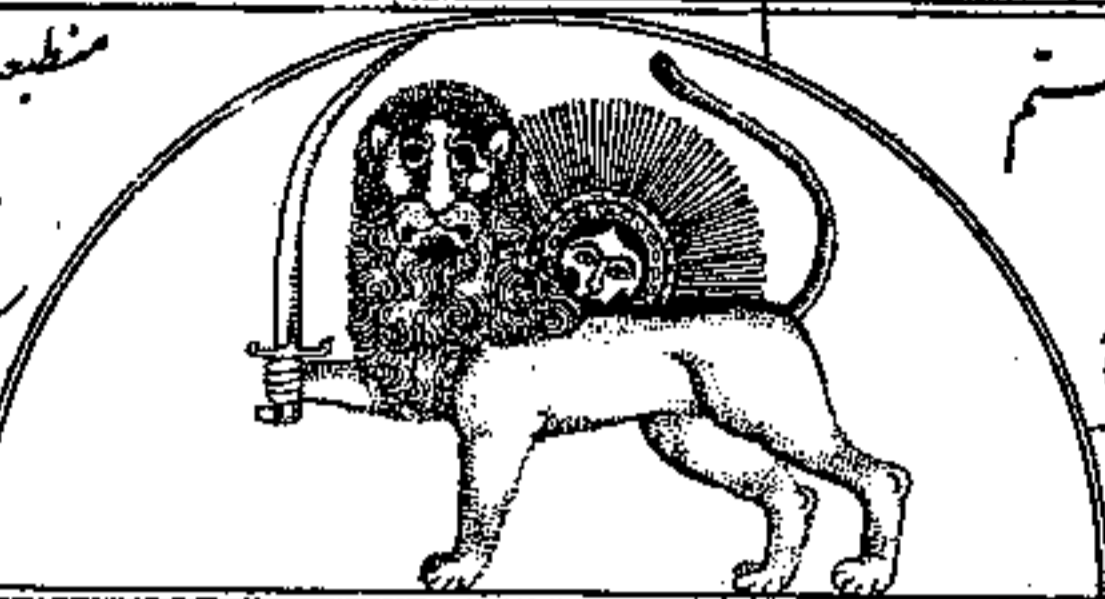
روزنامه قایم اتفاقیه شرح یوم شنبه بیست و نهم ماه رمضان المبارک مطابق سال وکیل

منظوم دارالخلافه طهران

شبهه بیست و نهم

قیمت اعلانات

یک سطر از چهار سطر چهار روز
بر شد سطر پنجم



قیمت روزنامه

یک نسخه ده هزار

بیت چهار هزار

اخبار و احکام ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موجب مایون اعلیحضرت پادشاهی که بجهت تفریح
شکار بیلاقات لار شریف فرمادند تا
یکشنبه بیست و نهم ماه رمضان المبارک در کنار
رودخانه لار نزدیک کوه دماوند شریف شدند
و در روز مزبور بجهت تغییر و تبدیلی مکان و جای اردو
مکین سنج لطفی دیگر که مکانی بهتر بود شریف فرما کردند
که چند روز در اینجا توقف فرموده بعد از آن
لواسان شریف فرما شوند و هوای سیلاب مزبور
بسیار خوب است و بر وجود مبارک اعلیحضرت
پادشاهی و قلین رکاب مسایون بسیار
خوش گذشتند و از قرار احکامی که از اردوی
میرسد موجب بر دوی کوکب تا آخر ماه مبارک
رمضان در حدود بیلاقات لار توقف خواهند
فرموده و بعد از انقضای ماه مبارک رمضان از آنجا
بجارات سلطانی سیران شریف خواهند آورد
اول که موجب مایون نسبت لار قیمت فرمودند

زیاده از یک هفتاد منظور توقف در آن صحیفه
نداشتند و لیکن بعد از ورود و اردوی مایون
بسیلاب لار و ملاحظه صفا و خرمی و ترتیب و طراوت
و خوبی آب و هوای آنجا که زیاده مطبوع و مستحسن خاطر
ملوکانه افتاده و فی الحقیقت از سایر بیلاقات آن
اطراف امت سازگلی دارد تا آخر ماه مبارک و در
آن حدود غنیمت توقف و تفریح فرموده اند و خیار
نوشته شد بر وجود فالین احمد پادشاهی و همگی
رکاب مایون خوش گذشتند است

درین اوقات ایام صیام نطن غالب بود
که بجهت ضعف و لغایت روزه داری ناخوشی و باک
در دارالخلافه طهران است زیاده تر شد بلکه امر
و حلال دیگر بر روز نماید لیکن از تفصیلات خداوندی
ناخوشی و باک عمن تسوس خلق ازین رکب بود بسبب
و غلایمت هو اتخف کفی حاصل گردیده و امراض دیگر
مطلقاً ظهور و بروز می ندارد و حسوسمکن دارالخلافه
در کمال لغیت و رفاه و آسودگی خاطر شکر گذاری

۷۸۱

قد بزوی یک من چهار هزار و پانصد	دعا کونی دولت قاهره شهنشاه دارنده
قداری یک من شش هزار و صد و پنجاه	چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد است بجهت
شکر سفید یک من سه هزار و پنجاه	سبیل بدار اخلای طهران بعضی قنات شهر خرابی رسیده
شکر مازندرانی یک من شش عباسی	از بخر قنات مقرر کرد که بارک مبارک می آید و آب کل عمارت
چای یک من بیست هزار	ارک از قنات مزور است بآمره خوابیده بود حسب احکام
آب لیمو یک من دو هزار	دولت قاهره مشتی در همه قنات شهر مشغول تقیه میباشد
آب ناسخ یک من هزار و دویست	و آب قنات مقرر کرد در این روزها جاری گردید و در حال
بل یک من دو تومان	عمارت سلطانی ارک گردید و موافق فاعده تقسیم گردید
دار چینی یک من سه هزار	کافی السابق بجلالت تقسیم نمایند و آب کرج را هم
فلفل یک من سه هزار	میان شهر آورده میان خلق موافق عدالت تقسیم نمایند
زرد چوبه یک من سی شاهی	که مردم از آب تکدی نکند
رنگبیل یک من دوازده عباسی	تعبیر اجناس با کولات و غیره دار اخلای که عالیجاه میرزا
میچک یک من شش هزار	اصحاب آفاسی صورت داده است درین جهت این مقدار است
زرشک یک من دو هزار	برنج غنبرلو یک من سه عباسی
زیره یک من دوازده عباسی	برنج کرده یک من ده شاهی
لیموی عمانی یک من دو هزار و شصت	روغن یک من دو ریال
رنگبیل پرورده یک من پنجاه	گوشت یک من یک هزار دینار
حنا خاکرک یک من دو هزار	کندم ساد و جیلا یک خردا دو تومان
خرمای رزد یک من چهار عباسی	کندم در این یک خردا بیست هزار
قیصی یک من شش عباسی	نان یک خردا دو تومان و سه هزار و پنجاه
بادام یک من هزار و دینار	آرد کندم یک خردا دو تومان و دویز
منغر بادام یک من سه هزار و دویست	آرد جو یک خردا سیزده هزار
سپت یک من یک ریال	یک خردا ده ریال
منزله یک من دو هزار	یک خردا بیست هزار
سبزه یک من بیست و پنج	یک خردا بیست و پنج

۷۸۲

۱۰۰	سخت و قوی بنی خام یک من چهار عباسی	۱۰۰	کک یک من پنجشاهی
۱۰۱	ماش یک من سصد دینار	۱۰۱	روغن خراغ یک من سی شاهی
۱۰۲	لوبیا یک من سصد دینار	۱۰۲	کرک یک من شاهی
۱۰۳	عدس قوی بنی یک من چهار عباسی	۱۰۳	هندوانه یک من پنجشاهی
۱۰۴	عدس شهر یک من پنجشاهی	۱۰۴	بادنجان صد عدد دو هزار
۱۰۵	فندق یک من هشت عباسی	۱۰۵	حبیبیه صد عدد یک هزار دینار
۱۰۶	شع یک من نه عباسی	۱۰۶	الوجه یک من یک عباسی
۱۰۷	پیه کدیاخته یک من یک هزار و شصت	۱۰۷	کوکبج یک من پنجشاهی
۱۰۸	صابون یک من یکریال	۱۰۸	زردالو یک من سصد دینار
۱۰۹	تنباکوی شیرازی اعلی یک من سه هزار دینار	۱۰۹	سیب یک من هفتاد و پنج دینار
۱۱۰	تنباکوی اصفهانی وسط سی شاهی	سایر ولایات	
۱۱۱	شیره سفید یک من سه عباسی	۱۱۱	آرد باسجان از قرار یک در روزنامه خوبی نوشته
۱۱۲	شیره سفید یک من دو عباسی	۱۱۲	در دو از دسم ماه شبان حجاج عراق و فارس و آذربایجان
۱۱۳	کشش طعام یک من ده شاهی	۱۱۳	خوبی شده و اسال زیاد ترا سایا دیگر بوده اند از معرفین حجاج
۱۱۴	کشش سبز یک من هفتصد دینار	۱۱۴	و آنچه باینجه میران بوده که با سپردن کوشش هارنم که موعظه بوده اند
۱۱۵	انجیر زردی یک من دو هزار	۱۱۵	در تبریز تا خوش کرده و همان حالت روانه خوبی شده و سه روز
۱۱۶	انجیر ابوالک یک من یکریال	۱۱۶	در آنجا مانده و از آنجا روانه شده بر آوده که منزل اول خوبی
۱۱۷	سرکه شیر یک من سیزده شاهی	۱۱۷	رسیده است بمرض عاف مبتلا شده اند از دماغش خون
۱۱۸	سرکه یک من سصد دینار	۱۱۸	آمد که خوش نموده بعد از حال آمدن خود بحسب به تبریز نموده
۱۱۹	ماست یک من سصد دینار	۱۱۹	و عیان با حجاج روانه ساخته و بعد از ورود به تبریز مردم شکر می کردند
۱۲۰	نیم مشور یک من یکریال	۱۲۰	اوراد در مسجد خواجه علی اصفهانی کرده اند
۱۲۱	سکنجبین یک من سه هزار	۱۲۱	مازیدران در روزنامه این ولایت نوشته اند که چون در
۱۲۲	حلوبات یک من چهار هزار	۱۲۲	آنجا شبان ناخوشی و بادری مازندران بطور رسیدن آب شکر از
۱۲۳	مرتاب یک من سه هزار و صد	۱۲۳	مصطفی علی میرزا غنیمت سیلاق آنجا نموده محمد حسن خان اوم خود را
۱۲۴	پاپ یک من یکشاهی و نیم	۱۲۴	خودنایب کرده اند که مشول انتظام امیر ساری باشد

۷۸۲

۴

همدان

از قرار یک روزنامه همدان نوشته بودند امر استخا
از اتهامات اولیای دولت علیه کمال نظم و انضباط
دارد و نواب امیر را در عبد الباقی میرزا که از جانب
مستطاب هزاره والا تبار مؤید الدوله طحاسب میرزا
نایب الحکومه میباشد در انتظام امور ولایت و تحسین
رفاه و آسایش رعیت کمال اهتمام دارد و بسبب آنکه
ناخوشی و بلا پیشتر گرفت شهر حاصل میشود اینروز
قدغن کرده است که سلاح خانه را بیرون شهر ببرد
که آنچه کوفتندگشته میشود در خارج شهر گشته بود و همچنین
در رفع کثافات از کوچهها و محلات و جاروب کردن
آب پاشیدن و پاکیزه نگه داشتن کوچهها و خانهها قدغن
اگر کرده است که آنچه اسباب ظهور ناخوشی باشد
رفع نموده کوچهها و محلات و معابر را پاک و منیع نماید که
استعداد حدوث ناخوشی و یاد همدان انشاء الله تعالی

اصفهان

از قرار یک روزنامه این ولایت نوشته بودند
چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان بر حسب حکم اولیای
دولت قاهره قرار داده است که در دیوانخانه استخا
بتظلم و دادخواهی میباشد مطالب او را با شرفین
امور دیوانخانه بنویسند و بنحود عالیجا چراغعلی خان
نشان بدهند که مقتضای عدالت و قانون حساب
مردم را فیصل بدهد که برای عارضین در عرض مطالب
حق آنها مصلحت حاصل نشود و اگر اجابا نابل دیوانخانه
بجهد جلب منفعت خود آنها را مصل و کارشان را

۷۸۹

میداشته اند بعد از این نتوانند و کار مردم بد
تقوی و تطویل فیصل باید و ازین حکم اولیای دولت
قاهره که عالیجا پیش را به اجراء داشته است کتب
امیدواری برای امالی استخا دست داده و سبب
سگر گذاری و دعا کوفی آنها گردیده است

خراسان

از قرار یک روزنامه خراسان نوشته بود
در یوم چهارم شهر شعبان العظیم عالیجا
عباسقلی خان با عالیجان امیر خان سردار و محمد خان
سردار و ارض اقدس شده اند که از استخا
شوکتدارهایون اعلی بسیارند و همچنین در تاریخ
ما در زن عمده الامراء العظام ظمیر الدوله با جمع کثرتی
از امالی هرات وارد مشهد مقدس شده اند که
بزیارت دو صده تبرک سرکار فیض آثار شرف شوند و
یکصد نفر شجاعی هم بجهت محافظت ما ارض اقدس
همراه داشته است

دیگر نوشته بودند که در هشتم ماه مزبور عالیجا محمود خان
سردار و فرج شایبوری با فرج ابوالجمعی خود وارد ارض
اقدس شده و در بیرون دروازه چادر زده اند
و همه روز مشغول مشق هستند
امورات ارض اقدس از استقامات اولیای
قاهره قرین نظام و امالی استخا در کمال امانت میباشد
مستحفظ و گزیده و قراردادهای شهر منضبط است و
بذرت اتفاق می افتد و بیخود و اهل نظام ارض اقدس
در قمار خود امالی استخا را راضی و شاکر و از مد

فارس

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند در روز
 بیست و یکم ماه شعبان خلعت نواب مستطاب شاهزاده
 والا تبار نصره الدوله حکمران مملکت فارس بقریه زرقا
 که در چهار فرسخی شهر شیراز است رسیده بود در
 روز نوزدهم نواب معزی الیه با جمعی سوار شده
 با استقبال خلعت در طلعت رفته اند و در خلعت
 آنجا که در یک فرسخی شیراز واقع است خلعت هالیون
 با لوازم احترام و توقیر تمام زین برود و شش
 و اعمت با خود ساخته و بشهر مراجعت نموده اند
 استقبال و احترام خلعت هالیون کمال اهتمام معمول
 داشته و امالی آنجا را هم اسم خاطر طوکانه امیدوار
 ساخته اند و یکی بر اسم شرف و شادمانی و شکر
 گذاری و دعای دوام دولت علیه اقدام نمودند
 و در جبهه واعیان فارس نیز هر کدام که بخلعت عید
 سیر او از شده بودند در روز مزبور که نواب معزی الیه
 خلعت هالیون پادشاهی را زین برود و شش خویش
 نموده اند آنها نیز حسب حکم بخلع مزبور مخلع گردیده
 بجنور نواب معزی الیه ارج نهادند

کرمانشاهان

در روزنامه بین ولایت نیز تفصیل درود خلعت عید
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار عماد الدوله حکمران
 کرمانشاهان را نوشته بودند که بعد از رسیدن خلعت
 بیک منزلی کرمانشاهان نواب معزی الیه فرستاده
 در لب آب قرآنی که در یک فرسخی شهر است چاقور
 اند

و خود نواب معزی الیه با امیرزادگان عظام علیقلی میرزا
 و بیج الملک میرزا و مقرب انخافان عباسقلیخان میرزا
 و سه عراده توپ و یک فوج سربازانها و ندی و
 فوج بزچلو بخلعت پوشان آنجا استقبال نموده و در
 آب قراسو خلعت هالیون را پوشیده اند و شرف
 و شیرینی در میان اهل نظام و نوکر و غیره صرف شده
 و اهل شهر نیز از وضیع و شرف کلاً از دروازه بیرون
 آمده بودند آنچه لازم بود توقیر و احترام خلعت
 پادشاهی است معمول داشته با کمال خودستایی
 و شکر گذاری و امیدواری بخواه اطف این دولت بوی
 مکت علییه بشهرت جت کرده اند

دیگر نوشته بودند که بسبب ادبیتی که از اکراد احمد
 سلیمانیه نسبت بخاک کرمانشاهان میرسید و غالباً
 سرقت و بیجا بی میکردند نواب شاهزاده عماد الدوله
 آن سرحدات را با کذاشتن فرادل و مستحفظ در منازل
 و طرق این اوقات نظم تمام داده اند و راه دست انداز
 ظایفه مزبوره بسته شده است چنانچه درین روزها
 نوشته بودند که خسرو نام احمدوند با جمعی از آب سیر
 عبور کرده بغیر سرقت با آن اطراف آمده بودند اما
 بسبب حسن اهتمام نواب شاهزاده عماد الدوله که در
 قصر و سایر جاها فرادل و مستحفظ گذاشته خبر نشد
 بودند و امالی و احشام آن طراف را خبردار کرده
 سارقین را محال توقف نمادند و بسبب چوچه نواب
 دست اندازی بیجا نمیکنند و بی منیل معصود
 نموده اند

۷۸۵

اخبار دول خارج

سویس

بزرگمفتدین فری بوریج که پریه نام دارد در جنگ دستگیر قشون دولت شده بود درین روزها اورا بعدالت خانه برده اند که تقصیرش ثابت نموده موافق تقصیر تنبیه شود و حکم کرده اند که سی سال حبس باشد با برنج و ابل اینجا باین حکم ارضی و بدیوانیان عریضه داده و اصرار کرده اند که اورا بکشند بجهت اینکه میگویند این شخص چند ماه که در حبس ماند و ستان و سابل و وسایل خواهند برکنج و طوری خواهند کرد که انسانی دولت از تقصیر او گذشته عفو نمایند از وقت دوباره آشوب و خو بیزی در ولایت سویس خواهد آمد اما انسانی دیوان درین خصوص عریضه خلق را قبول نکرد و بسیاری از مردم را در آن ولایت گرفته و محبوس کرده خصوصاً از کشیانی که محرک مفیدین دریا عیگری شده بودند و این کشیان مفیدین از مذنب کتولیک عیسوی میباشند و سایر خلق و رجال دولت از مذنب کتولیک عیسوی و کتولیک پراگ استند جنگ کرده بودند

گذشته کشتی در دریا برفت و باد کم بود و ملایم موج نداشت ناگاه دیدند که در آب حرکتی ظاهر گردید و در خشکی یک و خاک و غبار به هوا بلند میشود و آب دریا اول درین بالا آمد بعد از آن فروشت و آب از خشکی بدریا جاری گردید مانند رودخانه تند که سر اشیب با قبل از زلزله در روز یا با لنگر سجانی انداخته و عمق آب را مشخص کرده بودند سی و پنج ذرع عمق داشت و وقتی که آب فرونشست بود در عمق طناب انداخته بودند و شش ذرع عمق داشته باز در آن آب بالا آمد چنانچه در وقت فرونشستن از خشکی بطرف دریا جاری شده بود هنگام بالا آمدن از دریا برطرف خشکی جاری گردید و در هنگامی که آب کم شده بسیاری از کوهها و سنگها که در زیر آب مانده بود ظاهر گردیدند و راحت آب یک موج بسیار بلند آمد بود و صاحب حکم کرده بود که لنگر کشتی را ببنده اند که مبادا موج کشتی را بسنگ و کوه زده بشکند وقتی که آب خشکی رسید در کنار و زیاضت پنج فرسند زورق و ناو بود که اول در روی آب بودند بعد که آب کشیده شد در خشکی ماندند وقتی که آب دوباره بالا آمد و باین روز قها و ناو ها رسید همه را بهم زده و بعضی از آنها را سگسته بود و چهار بار آب نسبت دریا کشیده شد و باز بالا آمد و کوه سوزیده که در آن اطراف است دو دومی داشتند

احوال متفرقه

از سایر دول خارج اخباری که در روزنامه چاپ شود بود ذکر آنچه در ضمن احوالات متفرقه نوشته می شود در فرستان گذشته از قراریکه نوشته اند درمند و زلزله سخت شده بود و این زلزله بدریا نیز تاثیر کرده بود در روزنامه یکی از صاحبان کشتی که نزدیک سیکی اخبار آن اطراف بود نوشته اند که قریب بدو ساعت از صبح

زلزله در خشکی هم بسیار سخت بود و لکن چونکه خانهها آن جزایر را اغلب از خوف میساید یا از خضیر که با چوب بهم بسته میشود این زلزله در خشکی انقدر خرابی نرساند بود و در بالا آمدن آب دریا از حد خود بیرون رفتند و بعضی

<p>خانها را که نزد یک بکنار دریا بودند خراب کرده بود و مردم که در روی سکوی کنار دریا ایستاده بودند در میان آب غرق شدند زراعت هندوستان از آب دریا جای بزرگ است</p>	<p>در هندوستان بسیار سی و کوشش کرده اند که یکی دنیا را در اولایت لعل بیاورند و لکن آب هوای آنجا جهت پنبه خوب نیست و در اکثر جاها خوب لعل نیامده است اما درین روزها صد و میت و دو لکنیک از پنبه سیکی دنیا از هندوستان بولایت انگلیس آورده و چون که بسیار خوب بود امیدوارند که بعد ازین بسیار لعل بیاورند و دولت انگلیس و لعل انگلیس پول بسیار خرج کردند که پنبه سیکی دنیا را در هندوستان لعل بیاورند و لکن خوب لعل نیامده است مگر آنچه نوشته یکی از تجار هندوستان بولایت انگلیس کارخانه های پنبه و اکثر این پنبه از سیکی دنیا می آید و باقی از مصر و هندوستان و بعضی جاها می دیگر روی زمین اینها دولت انگلیس بسیار سی و کوشش کرده اند که پنبه زیاد در هندوستان لعل بیاورند و از اولایت دیگر بیاورند که جهت پنبه انقدر محتاج پنبه سیکی دنیا باشند هندوستان پنبه بسیار لعل می آید و لکن در جاها می که بدریا دورند و محل نقلشان مشکلست و جهت آسانی لعل و نقل بارها دولت انگلیس راهها ساخته اند و امید که وقتی که راه آهن سخته تردد عوایه و کال که بخارزاده پنبه ریبار از هندوستان بولایت انگلیس برود که آنوقت پنبه میان بولایت هندوستان را که بجهت ریادی اخراجات محل نقلش میسر و آساند بکنار دریا</p>
<p>که دستی ساخته اند جهت جمع کردن آب در موسم با زندگی و بعد از آن تبدیل به آب اورا بمصرف زراعت میرسانند ازین دریاها در اولایت درین چند سال زیاد ساخته اند و بسیار بکارر عایا و زارهای زمین اما آنکه منفعت زیاد خواهد کرد تمام کردن راه آهن جهت تردد عوایه و کال که بخارزاده</p>	<p>مابین دولت سیکی دنیا و سیکی شمالی و یکی از دول کوچک آن است سیکی دنیا که سیکی دنیا و سیکی سیکی درین روزها جنگ و مخالفت افتاده است سیکی مابین که مابین سیکی دنیا و جنوبی و شمالی میروند چند نفر از اهل سیکی دنیا و شمالی در آنجا زمین خریده و راه ساخته اند کشتی و عوایه و کال که برآید و در اندک مدت کشتی با تجارتی و حمل و نقل بسیار بدست آنها افتاد و اهل آنجا کار ماندند و خستیدند سیکی دنیا بردند و در میانشان جنگ و نزاع شد اما اهل سیکی دنیا و شمالی با آنها غالب آمدند باز اهل آنجا جهت زیاد فراهم می آورند که دوباره بنیاید و با اهل سیکی جنگ نمایند اما کشتی جنگی اهل سیکی دنیا در آن است و قدری قشون سخته امداد اهل خودشان و ستاده مردم آنجا چون دیدند که قوه جنگ ندارند و صفا و لکن گاه آنجا راه دست سرنگ کشتی جنگی فرورد و لکن ایچی و ستادند و دولت سیکی دنیا و شمالی</p>

۷۸۷

داین که از شش باعث گفتگوی دول خواهد شد
 در روزنامه های هندوستان نوشته اند که جنگ کلکتها
 در مملکت برمه تمام شده بود اما افتشاشی در آنجا مانده
 بود و بجای اینکه قشون پادشاه آنجا که مرخص شده بودند از آنجا
 که میگذشتند اولایات را ناخوب و غارت میکردند
 و انجلیها قدری قشون بعقب آنها فرستاده بودند

و خود آن شش منحصر بر یک قوت نیست بلکه بر یک اکثر
 در رفتار امیر خود حتی بر یک درخت بید و گردو و قشون این
 که بنا هستند ابریشم میدهند بسیار سخت و محکم و اینها
 قشون دیگر کوچند و ابریشم آنها چند ان محکم نیست اما
 و ابریشم خوب اگر بتوانند این گرم را در مملکت فرستند
 بعضی میاورند و در تجارت ابریشم در اولایات منفعت زیاد
 خواهد بود

بعضی از روزنامه ها را در فرنگستان که مال خلق است در
 اوقات چاپ زده و میفرستند و آنکه زیاد تر
 از همه چاپ زده می شود روزنامه ایست که در شهر لندن
 میزند و نیز میماند و این روزنامه را هر روز میزنند مگر
 روزهای یکشنبه و روزی چهل هزار نسخه ازین روزنامه
 بیرون میفرستند و این حساب از محاسبات دولتی
 چاپ زده اند چونکه هر نسخه و شاهی توجیه دیوان دارد
 و هر دیوانی باید در رؤس باشد

در تربیت مردم نابینا در ممالک فرنگستان بسیار
 سعی کرده اند اول کسی که در سه بجهت نابینا ساخت
 اهل فرانسه بودند حال اهل فرانسه درین مثل پیش اند و در
 و مکتب خانها که در ولایت انگلیس دارند بد رسه های
 و نمه می رسد و نابینایان را چنان تربیت می کنند که
 علوم را با ایشان می آموزند حتی بازی شطرنج نیز با آنها یاد
 و کن با که بجهت خواندن آنها می نویسد خطش چرتبه است
 که با کذا استن انجمن می شناسند و میخوانند

در مملکت جزیره العرب که در دست دولت فرانسه است
 پارسال پنج زیاد آمده بود اما سال دولت فرانسه و در
 تقریباً مسیح کردن تخم پنج با تخم معین کرده اند و از فرار
 و وزن تخم پنج که آورده کشیده اند و حساب نموده اند
 از سه هزار کرد و تخم پنج بجهت تلاوی جمع کرده

در باب طلای معادن کلی فارس و استرالیا موافق حساب سال
 گذشته میت و پنج کرد و در کلی فارس میت نه کرد و در استرالیا
 حساب پول ایران طلا و دیگر کمال بیرون فرستاده اند در مملکت
 کلی فارس هر جا خاک طلا بود در آورده اند و حالا سنگهای
 سفید را که مانند سنگ چاق است می شکند و از میان
 او طلا در می آورند و دیگر در خاک رود خانها جانی مانده

که ابریشم درین روزنامه اند طلا در دنیا فراوان میشود
 چونکه غیر از آن گرم ابریشم که از قدیم الایام در دنیا
 که معای دیگر هم درین اوقات در مملکت لوی سیسیلی
 یکی رینای سسالی هسته اند که از آنهم ابریشم بعضی می

که بجهت طلا درین روزنامه کرده باشند اما در استرالیا مانند
 تازه است و بسیار جاها مانده است که هنوز دست
 نزده اند و باید طلا داشته باشد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم ماه شوال المکرم مطابق سال او و دویست و شصت و نه

نزد صد و بیست و هشتم

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شاهی

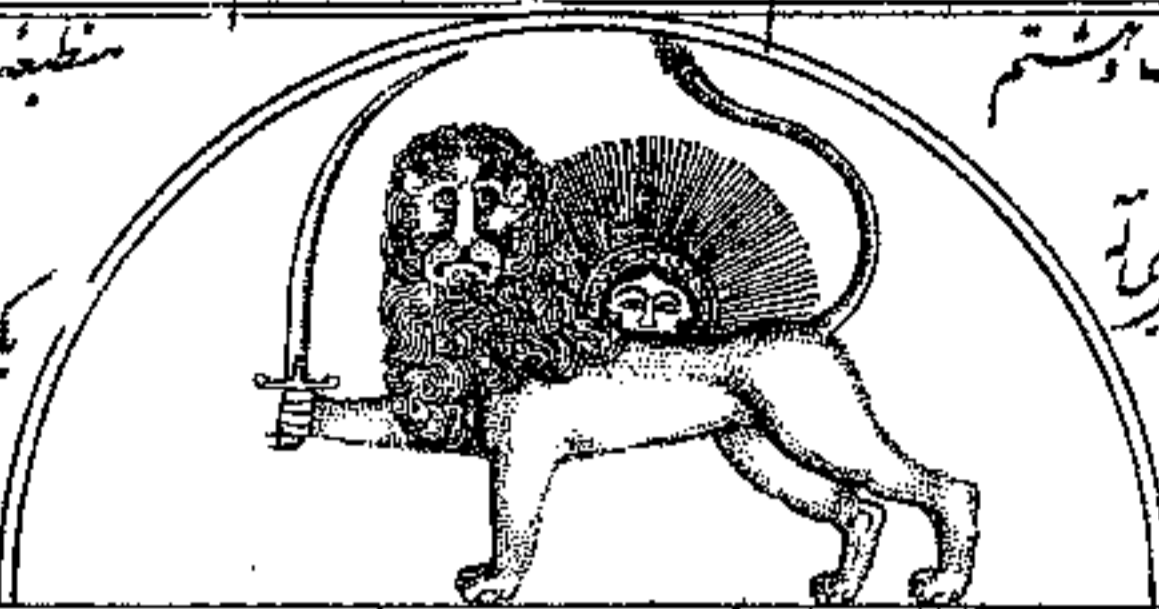
صحتان و چهار هزار

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر از چهار سطر یک هزار

بیشتر با هر سطر شش هزار



اجبار و احسان مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در یکی از سیلاقات لار که بطافت هوا و عدوت ماه از سایر سیلاقات اینجا ممتاز است تشریف دارند و بر وجود مبارک و سایر ملزمین رکاب هایون بسیار خوشگوار و این روزها عزیمت دارند که از اینجا حرکت فرموده به سیلاقات شیران تشریف فرما شوند و چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده موکب هایون که در غره ماه ذی قعدة عزیمت چمن سلطانیه فرموده بودند بجهت خوبی آب و هوای سیلاقات لار که مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده و توقف موکب هایون در اینجا قدری بطول انجامیده بود عزیمت چمن سلطانیه را در دهم ماه ذی قعدة مقرر نمودند

چون بعضی قدس چایون پادشاهی رسیده بود که زرکرا سلا مولی که در دارالخلافه طهران است در صنایع انواع جواهرات را بطور خوب از عهد پادشاهی

لذا از جانب سنی اجواب ملوکانه حکم فرمایند شده بود که یک قطعه جعبه فرنگی ساز بسیار خوب تمام الماس ممتاز که در خورتارک مبارک هایون ساخته با تمام برساند و هر قدر که ان بهاتر و خوشتر تمام شده باشد در حضور معر ظهور هایون بیشتر جلوه خواهد افتاد این روزها جعبه فرنگی ساز مزبور با تمام روز عید ماه مبارک رمضان که بهترین اعیان مسلمانان از حضور هایون پادشاهی در سنگامی که بجهت تزیین و شکار در سیلاقات لار تشریف داشتند که چون بسیار خوب ساخته شده بود در نظر هایون جلوه کرد و پسندیده افتاده و اسحق زرکرا سلا مولی خوب از عهد پادشاهی بود و از قرار قیمت مقومین در پنجاه هزار تومان بگام شده است

چون نواب نصره الدوله درین چند سال که بکجو فارس مامور بود آب و هوای آن ولایت بمراتب سازگار نیامده و بجهت علیی مزاج از عهد خدمات نمی توانست براید و خود استدعای احضار برکاب هایون

و استغفار از حکومت فارس نموده بود لهذا احضار
برکات حضرت امتساب گردید و نظر بکمال کار دانی
و کفایت نواب مؤید الله و له طماسب میرزا که در راه خدا
دیوان سواره بطور سپیده بود خاصه در ماموریت
بجکومت کرمان که خاطرهایون را زیاد از حسن است
و اهتمامت خود راضی داشته بود حکومت مملکت فارس را
بعده کفالت نواب معزی الیه حرمت و واکند از فرمود
و فرمان حکومت با خلعت افتاب حرمت و عنایت

چون حکومت بهمان بعده نواب مؤید الله و له حرمت و
بود بعد از آنکه نواب معزی الیه بجکومت فارس سر فرار کرد
از آنجا که از حکام سابق همان خدمات باشجا و اردو
بود رای جهان آرای اعلیحضرت پادشاهی بر آن نظن یافت
که یک نفر آدم عاقل کامل کافی که بحسن سلوک انصاف
داشته باشد بجکومت آنجا مامور فرماید بنا علی
عالیجاه مقرب انخاقان اسد الدخان امیر اخور سابق که
بحسن سلوک و کار دانی موصوف بود بجکومت سر فرار
کردید و فرمان حکومت خلعت حرمت

چون مراتب شایستگی عالیجاه نتیجه الامراء العظام جهان
در خاکپای جاپون اعلیحضرت پادشاهی مشهور و مکشوف
اقتاده بود این روز با منصب امیر اخوری بعده عالیجاه
مرحمت و واکندار شده فرمان جاپون صادر و خلعت افتاب

طلعت عنایت شد
سایر ولایات
ادریه پایبجان درین محله ازین ولایت اجباری نبود

که در روزنامه نوشته شود
دارالمرز

و هم چنین ازین ولایت نیز درین محله اخباری نبود

عراق

اصفهان از امور غریبه که در ضمن روزنامه اصفهان
نوشته شده بود این بود که میرزا غلامعلی ضابط لنگان
این اوقات لنگان میرفته است در نزدیکی لنگان در
میان صحرا بدون اینکه آمار ناخوشی در او ظهور داشته باشد
ناگاه بیهوشتی بر او مستولی شده از اسب بزیر افتاده
حالت او بجای منحرف از صحت شده بود که بهر آن او
قطع کرده بودند که مرده است و او را در بقعه کشیده چشم
و کوشش او را بطریق میت بسته بودند در آن اثنا همین
حالت بر اسب سواری او هم دست داده علی الغفله
اقتاده تلف شده بود و بعد از تلف شدن اسب خود
شارالیه سجال آمده برخواستن نشسته بود چشم و گوش
خود را باز نموده بود و اسب دیگر سوار شده بلنگان رفته بود
و معلوم شده بود که از تصدق شدن اسب رفع بلا از
اوست

دیگر نوشته بودند که حاجی جعفر نامی در عالم رؤیا غریب
در خواب دیده بود که پنجاه او آن است سوال کرده بود
که کیستی و برای چه آمده جواب داده بود که غزرا بیستم
و چند روز دیگر در مسجد حاجی رضا در میان روح و بدن تو
مفارقت خواهم انداخت حاجی جعفر بعد از بیدار شدن
خواب خود را باهل خانه خود نقل کرده بود چند روز از آن
بیرون رفتن منع کرده بودند یک روز خود مشارالیه

۴

۷۹۰

بی خبر از اهل خانه خود شش از خانه بیرون شده بی خبر
مسجد حاجی رضا رفته بعد از ورود با آنجا جان بجان آفرین
تسلیم کرده بود

دیگر نوشته بودند که در قریه خوراسکان مابین مادر و
شروع اتفاق افتاده بود چون خانه خلوت بوده است دختر
با در غلبه کرده و پای او را بسته و بقتل رسانده بود
نفس او را در تنور خانه منحنی کرده و خاکستر و خاکشاک
او ریخته بود بعد از چند روز که خوششان او بقاعده که

دست معمول است برای بختن مان آمده بودند استقام
عفوشت از آن متور کرده بود معلوم شده بود که مادر آن
دختر است که بیان آن دختر را گرفته تحقیق کیفیت از او
کرده بودند او هم اول انکار کرده بعد اقرار نموده بود که میان
من و مادر من نزاع اتفاق افتاد عرصه بر من تنگ شده
او را بقتل رساندم مراتب بجایگاه چراغعلی خان
شده برای آوردن دختر فرستاده است و در حقیقت
این عمل جنسی غرابت دارد و بجز جنون و خردی بجز دیگر
منبتوان حمل کرد

همدان

از قراریکه در روزنامه همدان نوشته بودند این واقعه
در محله مسجد آباد آنجا زنی طفلی زاینده است که از دست
و پا و شکم انسان بوده و در صورت بوزینه و دو
داشته و دو پارچه کت برنگ جگر سفید داشته
گوشش بود و میانش استخوان داشته و بعد از
تولد فوت شده است

دیگر نوشته بودند حاجی عبدالمجید نامی تدارک دیده بود
که بریارت حضرت مصومه قم علیها السلام برود شخص
فقیری بدربار خانوادہ سوال کرده بود و برنج و روغن

خواسته بود حاجی مشارالیه او را جواب داده و زود
آن شخص فقیر گفته بود حالاکه مرا از رده و ما بوس کرد
بمنت مولای متعینان علیه السلام ما طعام خیرات تو را
سخورم از در خانه تو سخا اسم رفت نوشته بودند حاجی
مشارالیه بخانه رفته از زوجه اش غلیان خواسته بود
پنوز زوجه اش غلیان نیاد رده وفات یافته بود

تولیرکان

در روزنامه آنجا نوشته بودند که چون چند نفر شش
در امراض در امامزاده زید تولیرکان شفا یافته است زوار
زیادار بلده همدان و بلوکات حتی از لرستان و کوما
زیارت آن امامزاده واجب التعمیم است

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته شده بود امیرالاعظم
مقرب آنجا خان محمد حسن خان سردار حکمران بزده کرمان
در انتظام امر آنجا است تمام کامل دارد و خلعت عیدی او را
که عالیجاه والی خان شیخ مت اهدس شهر باری برده
امیرالاعظم سردار بارش سفیدان و اعیان و شرا
کرمان با استقبال خلعت رفته لازمه توقیر و احترام را
در استقبال خلعت لعل آورده است پس از خرف
شیرینی تنبت و ادای هر اسم شکر گذاری بشهرت
کرده است

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه فرنگستان در اکثر ممالک انجمن
 و آرامی بود در مملکت ماند که یکی از ممالک شمال
 در بر شهر و قصبه موافق قانونی که دارند و کابل تعیین
 که پهای تخت بنیستند که در مشورتخانه انجمن اجلاس
 نمایند

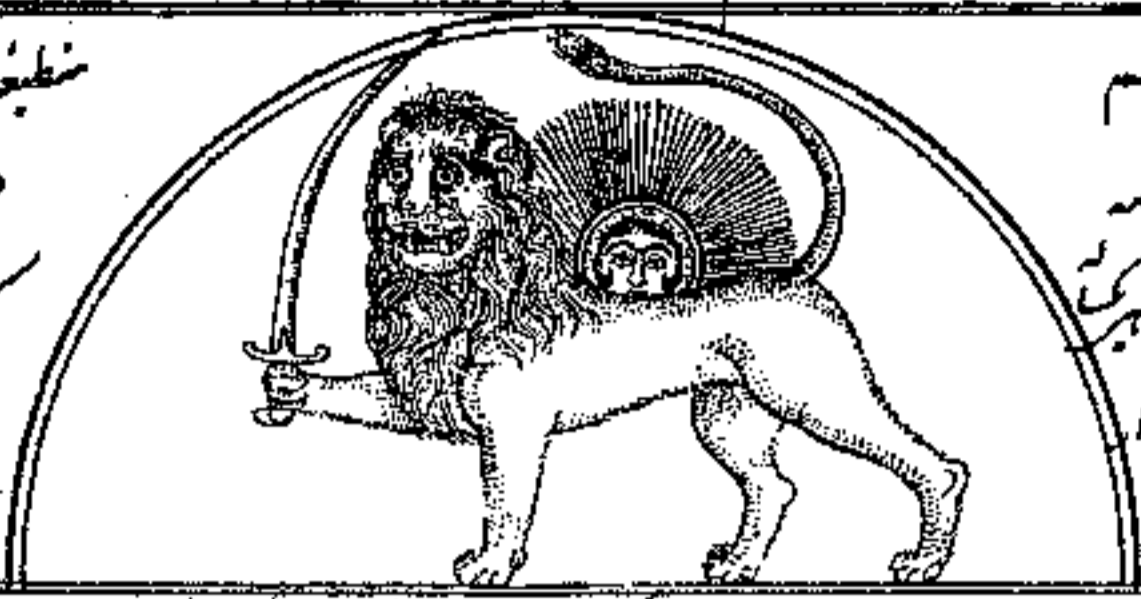
پادشاه بزرگ چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده
 بود بسبب احت بعضی دول فرنگستان رفته اول
 پهای تخت پرورش یافته چند وقت در انجا توقف
 نموده و بعد از آن بویته پهای مملکت استریه رفته بود
 در روزنامه نوشته اند که نهایت که بزرگ
 پادشاه که بعد از پادشاه دختر از اقوام امپراطور
 استریه بگردن پادشاه بزرگ نیب که فوت شده
 و میگویند که در نهایت خودش نیز مانند پسرش
 اقوام امپراطور استریه زن بگرد و پادشاه بزرگ
 جنگ عظیم فرنگستان که سی هشت سال پیش ازین
 بود در سنگامی که وکلای کل دول فرنگستان در
 پهای تخت استریه جمع شده بودند او هم در انجا تشریف
 و از مردمان آن ایام بسیاری مانده اند و همه تعجب
 عقل و هم وزیر کی پادشاه بزرگ در ایام جوانی او بگرد
 چونکه وارث تاج و تخت نبود در آن ایام کسی گمان
 که او تاج و تخت برسد بالاخره بختش او رو بگرد
 رسید و با کمال عقل و تدبیر و کفایت دولت راز را
 در ایام جوانی بسیار صاحب حسن بوده است و میگویند
 که پسرش نیز در رو جاهت و عقل و فهم به پدر خود نماند

۷۹۲

بعد از اغتشاش در مملکت بزرگ که آن لایب از مملکت
 ماند جدا شده و دولتی جدا گانه شده بودند پادشاه
 بزرگ سلطنت مملکت بزرگ رسیده بطوری امر آن لایب
 گرفت که باعث دعا کوئی کل اهل آن دولت شد بود
 در اکثر ممالک روی زمین در همین اغتشاش خضر
 کلی سخلق میخورد اما مملکت بزرگ و نظم گرفت و حال
 آبادترین ممالک روی زمین است تجارتش زیاد بود
 دولتند و صاحب چیز و با خیر میباشند و پنج سال پیش
 ازین که سلطنت بعضی از پادشاهان فرنگستان
 خصوصه فرانسه که هم حواری مملکت بزرگ در برسم خورد در
 مملکت پادشاهش فرانسه انقدر تاثیر نموده و
 پادشاه بزرگ در مملکت خودش با کمال استقلال
 بود در وقتی که پادشاه بزرگ دارد و پهای تخت
 مملکت استریه شده بود با کمال حرمت و عزت با او
 رفتار کرده اند و خود امپراطور بنزلی که بجهت پادشاه
 بزرگ قرار داده بودند بیدار آورفته و درین روزها هم
 پادشاه بزرگ به پهای تخت آمدند پادشاه استریه همه
 بنام او که بیاید و سوز نیاید بود و می گفتند که بنام
 امپراطور روسیه هم تشریف بیاورند و گن میسوز
 نیاید بودند و چونکه نیاید که در پهای تخت روس
 سببه شوق و حرکت قشون بکلیه عا کر زباد جمع آوری
 نمایند و درینست که نیاید ان امپراطور روسست
 پهای تخت منسب از آن سبب است و ازینست نظر بود که
 پهای تخت روس است نوشته اند که علیا حضرت امپراطور
 که بنا داشت بشهر وارشاد برود تا چند وقت سفر خود در موقوفه

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم چشبه چهاردهم شوال الکریم بن سید ابوالفضل

نزد صد و بیست و هفتم
صفت روزنامه
یک نسخه در دست هر یک
در کل چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
صفت اعلانات
یک سطر از چهار سطر یکبار
بیشتر با هر سطر یکبار

اخبار واحسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

مؤکب هایون اعلیحضرت پادشاهی که در سیلان
لارشریف داشتند از آنجا حرکت فرموده بلوان
زول اجلال نمودند و بعد از سه چهار روز توقف
در لوان سان در روز سه شنبه دوازدهم اینماه
از آنجا حرکت فرموده در نزدیکی قریه لوزران شیران
در زمین مسطحی مابین لوزران و اوزکل و داراباد
که بجهت اردوی هایون مناسب بود تشریف فرما
گردیده اردو زنده و حکم فرموده اند که از نوکری
رعیت هچکس بی احضار و حکم بار دوی هایون

و انیت و آسودگی خاطر هر کسی بکار و کسب خود مشغول
مباشند و درین ایام ناخوشی با اینکه اغلب مردم
اسباهای خود را در خانه های خود ریخته و بی محافظت
گذاشته بشیرانات و غیره رفته اند و بجز یک
فصل که بدر خانه خود زده اند دیگر اسباب محافظتی
از اتمامات و رسیدگی کار که در آن دیوانی دردی
و سرفت بسیار کم اتفاق افتاده است و کمتری
شده است که خانه کسی را از زده باشد و در جمله
جای شکرانه و تعجب است زیرا که در چنین اوقات
وقت کار و مجال دزدان است که از خانه های بی صاحب
که اموال بسیار در آنها موجود است بهتر از سایر اوقات

ناخوشی دارالخلافه طهران درین اوقات سبب
تخفیف یافته است و چند روز قبل ازین بسیار کم شده
و بروزی چهار و پنج نفر رسیده بود و درین روزها
روزی هفت و هشت نفر می رسیدند و بعد از آن رسیدند و
است که انشا الله درین چند روزه بالمره رفع قیوم
و کل امالی و سکنه دارالخلافه طهران در نهایت رفاه

میوانستند سرفت نمایند و لکن سبب انتظام امر
کار که در آن دیوانی در انصباط مستحقین که جهاد را
قرا و نجانهای شهر دزدان را مجال سرفت و دست
اندازی بنجانهای مردم نشده است و ازین رو بگذرد
عموم سکنه دارالخلافه طهران از بچار و صاحبان اموال
و غیره در نهایت امیدواری عا کوی ذات اقدس علین

۷۹۲

در روز جمعه این ماه که روز عید ماه مبارک رمضان
 و از جمله اعیان و عزیز و محترم عموم اهل اسلام است
 بقاعده که معمول و متداول این دولت علیه است نواب
 مستطاب شزاده و الا تبار اردشیر میرزا حکمران
 دارالخلافه طهران و توابع بنیابت وجود فایض اجمود
 اعلی حضرت قوی شوکت پادشاهی بسلام نشسته
 و اهل نظام از توپخانه مبارکه و از افواج قاهره بقاعده
 نظامی در دربارهایون حاضر گردیده و شبلیک
 و زینورک نمودند و مقرب انخافان میرزا موسی وزیر
 و سایر چاکران دیوانی و اعیان و اهل دارالخلافه
 کلا شرو که خدایان بعد از ادای صلوة عید و دادن
 بدر بار شوکتدارهایون شتافته مراسم عید
 معمول بود استدام نموده و شربت شیرینی صرف
 کردند و عموم اهل سلام بدعای دوام دولت علیه و سلام
 سلامتی وجود مبارک حضرت اقدس هایون پادشاهی
 مبادرت نموده با اظهار شرف شاهمانی و تهنیت عید
 پرداختند

از قرار حکم نظامی که ملاحظه شد درین اوقات منصب
 بنیابت عالیجاه مجتهد و نجات سمرانه اسمعیل خان
 خزانه دار نظام حسب الامر هایون عالیجاه حسینقلی
 برادر عالیجاه بشار الیه محول و در آنکه اگر در یک در لوازم
 خدمت نیز مساعی جمیده بطور رسیده

و هم چنین نظر بود در مراسم بلوکانه در باره عالیجاه
 اسمعیل خان خزانه دار از قرار حکم نظامی عالیجاه محمد علی
 برادر دیگر اور بمنصب یاوری خارج از فوج سرافراز

در روز پنجشنبه هفتم این ماه عالیجاه مقرب انخافان
 فضان آقای سرنیب توپخانه مبارکه توپچیان عالیجاه
 دارالخلافه طهران را در میدان آرک حاضر نموده و
 میرزا محمد علی سررشته دار کل توپخانه مبارکه کسان
 آنها را به وقت دیده و رسیدگی نمود و درین ایام
 ناخوشی احدی از توپچیان غایب و وزاری از خدمت
 نشده بودند

چون از دار و خدمت سابق دارالخلافه طهران بی استقامی
 در نظم کزهای شهر و محافظت و حراست دکاکین بازار
 و غیره شده بود لهذا کار کذاران دیوانی دارالخلافه
 شراییه را معزول و از قرار قسم نواب مستطاب
 شاهزاده و الا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه
 طهران و توابع مشغول دار و عکلی دارالخلافه طهران را
 بعهده عالیشانان عبدالعظیم بیک و محمد حنفی بیک
 که سالها در خیل این کار بودند و مراتب لیاقت
 شایستگی آنها مشهور و ملحوظ افتاده بود و الا
 نمودند که در نظم شهر و کزهای شب و محافظت
 خانات و دکاکین بازارها و حراست اموال مردم
 مراتب استقامات خود را پیش از پیش ظاهر ساخته

در بین نوشتن و حاضر کردن روزنامه خبر از آمدن
 هایون رسید که حسب الامر اقدس هایون
 پادشاهی جلالت تاج صدر اعظم از اردوی مسالو
 که مابین کوپزان و اوژقل و حیره شمیرانات میباشد
 درین پنجشنبه شهر شریف می آید که از جانب

پادشاهی جلالت تاج صدر اعظم از اردوی مسالو
 که مابین کوپزان و اوژقل و حیره شمیرانات میباشد
 درین پنجشنبه شهر شریف می آید که از جانب